

## بیانیه شورای جهانی صلح درباره تجاوز تازه اسرائیل به نوار غزه در فلسطین



ادامه در صفحه ۵

شورای جهانی صلح، همراه با مردم صلح دوست جهان، تجاوز اخیر و مداوم رژیم اسرائیل و نیروی نظامی اش را به نوار غزه در فلسطین و مردم آن، محکوم می کند. در مدت زمانی کوتاه، صدها هدف- و به طور عمده غیرنظامی- از سوی نیروهای نظامی اسرائیل کوبیده شده اند که به ویرانی و مرگ مردم فلسطین منجر شده است. پیشینه های سوء اسرائیل در زمینه جنایت برضد بشریت مملو از هجوم های مرگباری مشابه این است. در باور هیچ کس به واقع



شماره ۹۰۸، ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۱  
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

حزب "کمونیست" اسلامی سازی رژیم پاکستان! در ص ۱۱

## سرکوب، شکنجه و اعدام نماد روشن شیوه حکومت مداری در رژیم ولایت فقیه!

مرگ ستار بهشتی، کارگر و وبلاگ نویس، در زندان های جمهوری اسلامی، بار دیگر موضوع شکنجه در زندان های "نظام نمونه جهان" و شیوه رایج رژیم واپس گرای و ضد مردمی جمهوری اسلامی، در برخورد با مخالفان و دگراندیشان را در صدر خبرها قرار داد.

قتل ستار بهشتی، توسط شکنجه گران رژیم در شرایطی رخ می دهد که رژیم ولایت فقیه با بحران فزاینده ای در زمینه های اجتماعی- اقتصادی روبه روست، برخوردها در درون جناح های مختلف حاکمیت تشدید گردیده است و حکومت با دشواری های فراوانی رو به روست. قتل ستار بهشتی توسط شکنجه گران پدیده جدیدی در حیات رژیم جنایتکار ولی فقیه نیست. در دهه های اخیر شمار زیادی از مبارزان راه آزادی، از جمله تعدادی از رهبران حزب ما، از جمله رفیق قهرمان رحمان هاتفی و تقی کی منش، از اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب ما و رفیق قهرمان فاطمه مدرسی (سیمین

ادامه در صفحه ۲

سوداگران مرگ در خلیج فارس! ص ۷  
برنامه واپس گرایان برضد حقوق  
و اشتغال زنان ص ۹

## اوج گیری اختلاف های جناح های حکومتی و خطر مماشات طلبی اصلاح طلبان

خطرناک و فوق العاده هشدار دهنده ای که در این میان بایستی با دقت ارزیابی شود این است که، استفاده از اختلاف های جناح های حکومتی به سود حمایت از جریان یا جریان هایی که برنامه های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی شان هیچ گونه سنخیتی با خواست ها و مطالبه های مردم ندارند، خاک پاشیدن به چشم مردم است. جنبش مردمی دارای توان عظیمی است که در قالب گردان های اجتماعی آن تجلی یافته است. توجه نکردن به این نیروهای اجتماعی در گذشته و به خصوص در دورانی که اصلاح طلبان پست های کلیدی را در دست داشتند، نشان داد که مماشات و چانه زنی در بالا، پیامدهای زیان باری دارد که نتیجه های آن سال ها پس از آن دوران، هم اکنون میهن ما را در آستانه فاجعه یی بزرگ قرار داده است. به نظر می رسد که این شیوه های آزموده شده از سوی اصلاح طلبان مماشات گر بار دیگر در شکل و شیوه های تازه در حال پیاده شدن است که دود آن مستقیماً به چشم توده های میلیونی می رود.

منظره یی میان حسین شریعتمداری و ابراهیم اصغرزاده، در دو هفته گذشته، که به طور زنده از شبکه سه تلویزیون پخش گردید. سایت "کلمه"، جمعه ۱۲ آبان، مطلبی را انتشار داد که با توجه به اینکه نام نویسنده یی بر خود ندارد، بایستی آن را انعکاس دیدگاه این سایت ارزیابی

ادامه در صفحه ۶

اوج گیری اختلاف های حکومتیان در بالاترین سطح، در طول چند هفته گذشته در نهایت با واکنش خشمگینانه سید علی خامنه ای مواجه شد، و او در سخنانی ادامه این اختلاف ها به صورت علنی را خیانت قلمداد کرد. به نظر می رسد که این اختلاف ها، به خصوص با در هم تنیدگی شان با انتخابات ریاست جمهوری، به صورت علنی و غیرعلنی هر چه عمیق تر خواهد شد و به گسترش بیشتر رو خواهد گذاشت. به علاوه این ها، رژیم ولایت فقیه با تشدید تحریم ها و بحران اقتصادی ای که با آن دست به گریبان است با نگرانی به آینده نگاه می کند. در ورای این اختلاف ها، همچنین تغییر و تحول هایی را شاهدیم که نشان دهنده صف بندی های جدیدی است که حذف آرام و بی دردسر احمدی نژاد نقطه مرکزی آن است. اگرچه چنین پدیده یی در بین "اصولگرایان" که در انتخابات سال ۸۸ تمام قد برضد خواسته های مردم میهن مان، به پشتیبانی از احمدی نژاد پرداختند، تعجب کسی را بر نمی انگیزاند، اما به نظر می رسد که اصلاح طلبان را نیز به نوعی وارد دعوای این دو جناح ارتجاعی و ضد مردمی رژیم حاکم کرده است. این پدیده در صورتی که دستاوردهای مثبتی را نصیب مردم رنج کشیده میهن مان نکند نمی تواند مورد حمایت نیروهای مترقی قرار نگیرد. اما پدیده

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

## ادامه سرکوب، شکنجه و اعدام ...

فردین) عضو مشاور کمیته مرکزی حزب زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران جان باخته اند.

ما همچنان در دهه های اخیر شاهد کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در جریان فاجعه ملی قتل عام دگراندیشان اسپر بندهای رژیم فقها در سال ۱۳۶۷ بوده ایم. ترور داریوش و پروانه فروهر، مختاری و پوینده در کنار اعزام گروه های مرگ به خارج از کشور و قتل مبارزانی همچون زنده یاد، دکتر قاسملو، رهبر حزب دموکرات کردستان و در پی او قتل دکتر شرفکندی و یارانش از جمله نمونه های روشنی از شیوه حکومت مداری رژیم ولایت فقیه و عملکرد ضد انسانی رژیمی است که برای حفظ پایه های لرزاننش آماده است تا به هر جنایتی دست یازد.

در هفته های اخیر ما همچنین شاهد افزایش صدور و اجرای حکم های ضد انسانی "اعدام" از سوی دادگاه های جمهوری اسلامی بوده ایم. طی چندماه اخیر ده ها تن در زندان های سراسر کشور، به خصوص زندان گوهردشت (رجایی شهر)، قزل حصار، و زندان های زاهدان، اهواز، مشهد، و ارومیه، به اتهام های مختلف، به دار آویخته شده اند. مطابق آمارهای سازمان های "مدافع حقوق بشر" و گزارش های منتشر شده از سوی "گزارشگر ویژه سازمان ملل" در امور حقوق بشر ایران، در سال گذشته، بیش از ۳۰۰ تن در ایران اعدام شده اند. در عین حال، "گزارشگر ویژه سازمان ملل" به صراحت گفته است که، برخی شواهد نیز از شمار بیشتر اعدام ها حکایت می کند.

در همین باره، روز دوم آبان ماه، پایگاه خبری "کلمه"، در گزارشی خاطرنشان ساخت که، بنا به آمار رسمی قوه قضاییه متوسط اجرایی شدن حکم اعدام ۵ سال است، یعنی به طور میانگین هر محکومی مدت ۵ سال زیر شکنجه روحی پیش از اجرای حکم اعدام قرار می گیرد.

در این گزارش اعلام می شود که، لاقول ۱۱۱۷ انسان در "زندان گوهردشت" زیر حکم اعدام قرار دارند. گزارش می نویسد: "آمار افرادی که زیر حکم اعدام قرار دارند ۱۱۱۷ نفر است که در این میان ۷۳۴ نفر از آنان محکوم به قصاص بوده و باقی این تعداد یعنی ۳۸۳ نفر محکوم به اعدام، که ۱۴ نفر از این افراد با اتهاماتی سیاسی و امنیتی محکوم به اعدام شده اند. . . آنچه که بیش از همه چیز حساسیت برانگیز است عدم رعایت دقیق آیین دادرسی عادلانه برای افرادی است که برایشان حکم اعدام صادر می شود. به خصوص افرادی که به اعدام های حکومتی از جمله اعدام های سیاسی، امنیتی، مواد مخدر یا مثالهم محکوم می شوند غالباً حتی از در اختیار داشتن وکلای اختیاری، حق دفاع آزادانه مطالعه پرونده، دادگاه های عادلانه و . . . محروم هستند. در پرونده های مربوط به قصاص نیز میزان نفوذ شاکسی و متهم در نوع و سرعت و اجرای حکم تاثیر زیادی دارد. . . با آنکه از زندان رجایی شهر - گوهردشت با ظرفیتی کمتر از هزار نفر ساخته شده است، نزدیک به ۵ هزار زندانی را در خود جای داده است."

به هر روی، اینک با افزایش آمار اعدام ها رژیم ولایت فقیه در صدد ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه است. قوه قضاییه تحت ریاست صادق لاریجانی به مثابه بازوی ارتجاع و ایجاد جو ترس در جامعه عمل می کند. سیاست هراس افکنی با به کارگیری خشونت عربان، مانند اعدام در ملا عام، سنگسار، قطع عضو، شلاق و از این قبیل مجازات های ضد انسانی و قرون وسطایی، شیوه و روش شناخته شده واپس گرایان حاکم است. در اوضاعی که رژیم ولایت فقیه در بحران داخلی و خارجی دست و پا می زند، قوه قضاییه و دادگاه های انقلاب اسلامی با صدور و اجرای حکم های اعدام، تلاش دارند با مستولی کردن فضای ترس و وحشت بر جامعه با اعتراض های مردمی مقابله کنند. جان و شأن انسان کمترین ارزش و اهمیتی برای ارتجاع ندارد.

همان گونه که تجربه دهه های اخیر اثبات می کند، سیاست ایجاد رعب و وحشت در کشور به وسیله به کارگیری خشونت و "اعدام"، در مبارزه و اراده توده ها هرگز نمی تواند خللی وارد آورد. حزب ما، همانند دیگر حزب ها، نیروها، و نهادهای مترقی و مردمی و میهن دوست، ضمن محکوم کردن جنایت اخیر شکنجه گران و قتل ستار بهشتی، که تنها جرمش افشاگری رژیم ضد مردمی حاکم بود بار دیگر همچنین اعلام می کند که مخالف حکم "اعدام" به هر دلیلی است، و لغو مجازات "اعدام" از قانون های حقوقی و مدنی کشور را خواستار است.

ما اعدام های اخیر و به طور کلی سیاست برپا نگه داشتن فضای رعب و وحشت بر میهن به وسیله، شکنجه، ترور و اعدام را به شدت محکوم می کنیم.

## ادامه تأثیر تحریم های فرآینده اقتصادی و ...

بهداشتی که در کشور ارائه می شود، تولید ملی می شود که امیدواریم این دستاورد و خدمات رضایت مقام معظم رهبری را در پی داشته باشد. سخنان وزیر بهداشت مبنی بر "تولید ملی" واضح است. این بدان معنی است که سیاست وارد کردن دارو از خارج باید محدود شود و بیماران از داروهای تولید داخل که میزان کیفیت آن ها معلوم نیست بایستی استفاده کنند تا "رضایت مقام معظم رهبری" تامین شود. در همین ارتباط به گزارش خیرگزاری فارس، ۲۴ مهرماه، رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری، نیز گفت که، بیش از ۹۷ درصد داروها در داخل تولید می شود. نیروهای مترقی بایستی در این زمینه خبرها و رویدادهای مرتبط با تحریم های اقتصادی را با دقت کافی دنبال کنند تا از این بابت در دام ترفندهای دو نبیوی ارتجاعی گرفتار نگردند. کمبود داروهای حیاتی در ایران که اخیراً در چند هفته گذشته در باره آن گزارش های زیادی منتشر گردیده است، بیش از آنکه ناشی از امتناع کشورهای غربی برای صدور این داروها به ایران باشد در درجه اول به سیاستی ارتباط دارد که مقام های رده بالای رژیم جمهوری اسلامی در این باره اجرا کرده اند و تامین سلامت مردم را در اولویت های خود قرار نداده اند. حتی اگر کشورهای غربی در این زمینه فشارهایی را وارد می کنند می توان با استفاده از فشار افکار عمومی آن ها را به عقب نشینی وادار کرد، منتها این در صورتی عملی است که عزمی در این رابطه بین سردمداران جمهوری اسلامی وجود داشته باشد. با توجه به داده های بالا، مشخص است که چنین عزمی هم اکنون وجود ندارد، و اتفاقاً با توجیه تحریم های اقتصادی در صددند تا از زیر بار مسئولیت خود هم شانه خالی کنند. روزنامه خراسان، ۱۶ مهرماه، گزارش داد که بخش سلامت از درآمد ۶ هزار میلیارد تومانی یارانه ها بی نصیب مانده است. این گزارش اجرا نشدن این مهم را افزایش سهم هزینه های درمان مردم از ۳۰ درصد به ۵۴ درصد می داند. تهران امروز، ۱۶ مهرماه، خبر داد که صنف پزشکان بار دیگر خواستار افزایش تعرفه ها برای نیمه دوم سال گردیده است. روزنامه ایران، ۱۹ مهرماه، در همین ارتباط "زنگ خطر افزایش مجدد تعرفه های پزشکی" را نگران کننده ارزیابی کرده است. حسین علی شهرباری، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس، در سخنانی که جهان صنعت، ۲۳ مهرماه، آن را گزارش کرد، گفت: "در شرایطی قرار داریم که وضعیت دارو اسفبار است. . . قانون برنامه پنجم توسعه در دو سال گذشته کاملاً اجرا نشده است. . . نگرانی ها در خصوص عدم اجرای قانون و به خصوص حوزه سلامت آن همچنان ادامه دارد. . . متأسفانه تاسیسات پزشکی در چند وقت اخیر ۱۰ تا ۲۰ برابر گران تر شده است ضمن اینکه در حال حاضر کشور ما برای تامین مواد اولیه داروها با مشکلات عدیده ای روبه رو است. در حالی که برای برخی از وسایل و امکانات از جمله ماشین های لوکس پول داده می شود اما برای تامین تجهیزات و مواد اولیه داروها برای بیماران سرطانی و صعب العلاج پول قابل توجهی تزریق نشده است." وی در ادامه، با توجه به شرایط فعلی، با اجرای فاز دوم هفتمندی یارانه ها مخالفت کرد. در این گفته ها هم بیشترین انتقاد به سیاست های در حال اجرا از جمله طرح حذف یارانه ها متوجه گردیده است. مشکل های درمان و دارو در ایران بیش از آنکه از تحریم های اقتصادی متأثر باشد، از برنامه ها و سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه ناشی است. وظیفه نیروهای مترقی است که درباره این ترفند جنایتکارانه برضد توده های زحمتکش میهن افشاگری کنند و این برنامه های ضد مردمی و ضد انسانی را با شکست مواجه سازند.

## تأثیر فزاینده تحریم های اقتصادی و وضعیت اسفبار دارو و درمان در کشور

بخش سلامت اختصاص پیدا کند ولی معلوم نیست این پول کجاست. ... امروز به دلیل وجود مسایل مختلف از جمله اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، افزایش روزافزون هزینه های پزشکی، کسری سالانه بودجه نظام سلامت، سهل انگاری و کم کاری صندوق های بیمه و پرداخت نکردن مطالبات بیمارستان ها با مشکلاتی مواجه هستیم. تمامی این اظهارات به خوبی نشان می دهد که بحران در سیستم سلامت میهن ناشی از بی توجهی و بی عملی دولت ضد مردمی است، و تحریم ها این وضعیت را تشدید کرده است. روزنامه شرق، ۱۸ اردیبهشت ماه، به موردی اشاره دارد که قابل تامل است. شرق می نویسد: "انتقال بیماران و مصدومان توسط آمبولانس به یکی از مراکز درمانی خاص در مقابل دریافت وجه نقد و یا هدیه های نقدی تبعات ناگواری برای بیمار داشته و بی شک با وجود آگاهی مسئولان از این پیامدها این کمبود نظارت و نبود اعمال قانون است که موجب گسترش و عدم کنترل این رخداد زشت اجتماعی می شود." گزارش شرق همچنین به موضوع دریافت پول های زیر میزی به واسطه شرایط اقتصادی نیز اشاره دارد، و آن را یکی از دغدغه های بیماران و عاملی تهدید کننده برای سلامت جامعه محسوب می کند. موردهایی که تاکنون به آن اشاره شده است هیچ گونه ارتباطی با تحریم های اقتصادی نداشته اند، و چنانچه از این وضعیت تأثیر پذیرفته اند، با وجود یک دولت مردمی و با کفایت، به هیچ عنوان امکان وقوع آن نمی رفت. یکی از موردهای دیگر که در رابطه با سیستم درمانی موضوع بحث و مجادله بوده است، تعیین تعرفه های درمانی بود. در اردیبهشت ماه امسال سازمان نظام پزشکی کشور تعرفه ویزیت پزشکان را ۳۰ درصد و حق الزحمه جراحی، بیهوشی، و متخصصان را ۲۰ درصد افزایش داد. به گزارش روزنامه خراسان، ۲۱ اردیبهشت ماه، محمد رضا نوروزی، نایب رئیس شورای عالی نظام پزشکی، در باره این افزایش گفت: "... متأسفانه تا امروز تعرفه های پزشکی بخش غیر دولتی اعلام نشده است و این مسئله با توجه به تغییر قیمت انرژی و رشد صد برابری هزینه های انرژی، غذا، پوشاک و موارد مشابه در برخی بیمارستان ها و مراکز غیر دولتی غیر قابل قبول و تحمل بود." اظهارات نوروزی بار دیگر به خوبی نشان می دهد که افزایش تعرفه در ارتباط مستقیم با قانون حذف یارانه ها بوده است و به تحریم های اقتصادی ارتباطی نداشته است. هر چند مقام های دولتی در اظهاراتی این افزایش را غیر قانونی اعلام کرده اند، اما این هزینه های اعلام شده به اضافه مبالغ زیر میزی که به صورت غیر رسمی از مردم دریافت می گردد، این تعرفه ها را حتی به بالای ۵۰ درصد هم می رساند. روزنامه تهران امروز، ۲۸ خرداد ماه، گزارشی از وضعیت بیمارستان های فرسوده داد و نوشت که ۸۵ درصد تخت های بیمارستانی فرسوده اند. تهران امروز در این رابطه نوشت: "بیمارستان مسیح دانشوری تنها بیمارستان تخصصی بیماری های ریوی و سل در تهران است که بیشتر از یک قرن از عمر آن می گذرد و ۳۰۰ تخت بیمارستانی دارد." حال باید پرسیده شود که، در طول سال هایی که ما با تحریم های اقتصادی حتی در هفت سال از ریاست جمهوری احمدی نژاد مواجه نبوده ایم، به چه دلیل تهران با جمعیت عظیم میلیونی باید دارای چنین بیمارستانی باشد؟ آیا می توان توجیه تحریم های اقتصادی را پذیرفتنی دانست؟ روزنامه خراسان، ۱۸ تیرماه، گزارشی از وعده عملی نشده دولت برای تامین هزینه داروی بیماران صعب العلاج دارد و می نویسد: "در اردیبهشت ماه امسال رئیس جمهور دستور و وعده پوشش بیمه ای ۲۰۲ قلم داروی بیماران سرطانی و صعب العلاج را داد و این وعده با دستور العمل وزارت بهداشت و ابلاغ آن، شکل جدی به خود گرفت. ... اما هنوز شادی این خبر خوش در دل این گروه جا خوش نکرده بود که خبرهای بعدی از اجرا نشدن این دستور العمل به دلیل تامین نشدن اعتبارات آن حکایت می کند." خراسان در ادامه از قول عضو کمیسیون بهداشت مجلس آورده است که، دولت اعتبار بیمه ۲۰۲ قلم داروی بیماران صعب العلاج را تامین نکرده است. سایت کلمه، در اشاره به گزارش های منتشر شده مبنی بر کمبود دارو، فهرست داروهای نایاب در کشور را به نقل از "تجارت نیوز"، ۲۲ مهرماه، از نزدیک به ۳۰ قلم در پنج ماه گذشته به ۹۰ قلم در حال حاضر اعلام کرده است، و به نقل از همین روزنامه، تأثیر تحریم های غرب بر فرآیند دارو و مواد اولیه را از دلیل های اصلی نایابی این داروها در ایران ذکر کرده است. اینکه ما هم اکنون در میهن با کمبود دارو های حیاتی روبه روییم هیچ شکی نیست، اما جریانی آگاهانه و ناآگاهانه در صدد است این وضعیت را به دلیل تحریم های اقتصادی بداند. تمامی گفته های فوق از سوی مقام های دولتی، به خوبی نشان می دهد که معضل اصلی در زمینه کمبود دارو به سلب مسئولیت دولت در این زمینه حیاتی مربوط می شود. برای اثبات بیشتر این موضوع، سخنان وزیر بهداشت در این زمینه می تواند روشن کننده این مهم باشد. به گزارش روزنامه خراسان وی می گوید: "تمام خدمات درمانی و

با تصویب و اجرای فشارهای اقتصادی بیشتر بر مردم ایران از طرف کشورهای عضو "اتحادیه اروپا" که اخیراً جایزه صلح نوبل را هم دریافت کرده اند، گزارش هایی منتشر شده اند که در آن وضعیت سلامت و نیازهای دارویی مردم زحمتکش میهن مان را بیش از پیش برجسته کرده اند و نگرانی های فزاینده ای را در بین کسانی که دل در گرو عشق به این مردم دارند برانگیخته است. به نظر می رسد که هر دو طرف متخاصم، یعنی دو نیروی ارتجاعی: رژیم ولایت فقیه و تحریم کنندگان غربی، در این میان قصد اصلی شان از برجسته کردن این امر مهم حیاتی را برای رسیدن به هدف های جنایتکارانه شان در دستور کار قرار داده اند، و از این رهگذر، توده های زحمتکش میهن مان باید تاوان چنین سیاست های ضد انسانی ای را پرداخت کنند. ما بدون اینکه بخواهیم اثر تحریم های اقتصادی را کم اهمیت ارزیابی کنیم، باید بر این نکته تأکید کنیم که، سیستم درمانی از مدت ها قبل و به خصوص با اجرای طرح "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی"، یعنی دو نهاد ضد مردمی سرمایه داری، مبنی بر حذف یارانه ها که به وسیله دولت برگمارده احمدی نژاد پیاده شده است، به وضعیت فلاکت بار کنونی گرفتار آمده است. به گزارش فارس، ۲۴ مهرماه، وحید دستجردی، وزیر بهداشت، در همایشی در تشریح وضعیت سلامت، در قسمتی از سخنانش گفت: "حدود ۵ تا هفت و نیم درصد مردم سالانه به دلیل ابتلا به بیماری های صعب العلاج به زیر خط فقر می روند که باید نحوه تامین منابع جهت برقراری عدالت در سلامت اصلاح شود." آن چه در این سخنان آشکار است این است که، این معضل نه ناشی از تحریم های اقتصادی، بلکه سلب مسئولیت دولت در تامین هزینه های درمانی مردم است. با اینکه آمار اعلام شده از سوی وزیر بهداشت به احتمال زیاد نمی تواند واقعی باشد، اما حتی استناد به همین آمار نشان می دهد که جمعیت ۴ تا ۵ میلیون نفری را دربر می گیرد. این بدان معنی است که، وضعیت سلامت در ایران در ردیف فقیرترین کشورهای جهان در حال تنزل است، و این در حالی است که درآمدهای ایران از فروش نفت فقط نصیب مهره های قدرتمند و فاسد رژیم شده است. گفته های وزیر بهداشت در همین همایش، تأیید کننده این نتیجه گیری است، آنجا که وی می گوید: "دولت و بیمه ها فقط ۴۵ درصد هزینه های حوزه سلامت کشور را می پردازند در حالی که دولت های اکثر کشورها ۷۰ درصد تامین سلامت را بر عهده دارند." وی در قسمتی دیگر از سخنانش در اشاره به اجرای طرح حذف یارانه ها، گفت: "متأسفانه بر اثر بار هزینه های هدفمندسازی یارانه ها ۹۶۵ میلیارد تومان هزینه بر دوش دانشگاه های علوم پزشکی کشور آمده است که هنوز جبران نشده است." جالب اینکه در این سخنرانی هیچ گونه اشاره یی به اثرهای تحریم های اقتصادی نشده است. وزیر بهداشت در اردیبهشت ماه با پیش بینی اینکه در سال جاری سال سختی را در پیش رو داریم اذعان داشت که، با توجه به کمبود بودجه باید برخی بودجه ها را برای دارو و تجهیزات پزشکی ذخیره کرد. روزنامه خراسان، ۱۷ اردیبهشت ماه، به نقل از وی نوشت: "امسال سخت ترین سال کاری را در طول سال های گذشته در پیش داریم و باید تمام تلاش خود را برای اجرای برنامه های سنگینی که بر دوش داریم به کار گیریم." توجه شود که، تشدید فشارهای "اتحادیه اروپا" هفته گذشته به تصویب رسید، و این گفته ها در اوایل سال جاری ایراد شده است! روزنامه خراسان در ادامه این گزارش گفته های دکتر ایرج فاضل را آورده است که می پرسد: "در کدام قسمت از بیمارستان ها می توان صرفه جویی کرد؟" طبق قانون، ۱۰ درصد از درآمد ناشی از هدفمندی یارانه ها باید به



باین حال اشتغال ایجاد شده . . . چندان قابل توجه نیست.

به این ترتیب، طرح بنگاه های زودبازده که دولت ضدملی احمدی نژاد آن "تقویت کارآفرینی، اشتغال زایی و افزایش فرصت های شغلی" می نامد، فقط و فقط به چپاول ثروت ملی و در واقع دزدی ثروت مردم و کشور از سوی عده ای خاص و شرکت های سپاه پاسداران و بنیادهای انگلی تبدیل شده است.

"عده ای خاص" که به اهرم های حکومتی و حمایت های دولتی پشتگرمند، همراه با شرکت های سپاه و بنیادهای انگلی به نام طرح بنگاه های زودبازده و اشتغال زایی، میلیاردها تومان تسهیلات، وام بلاعوض و اعتبارات مالی با بهره بسیار نازل دریافت کردند، و به جای اشتغال، در فعالیت های غیرمولد مانند

خریدوفروش زمین و مسکن، سکه و واردات کالاهای بنجل، به طور عمده از ترکیه و چین، اقدام کرده اند. نکته پراهمیت اینکه، سیستم بانکی کشور نیز در خدمت این عنصرها و شرکت ها قرار داشته است. نام کمیته امداد خمینی، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی، بنیاد نور، قرارگاه خاتم النبیه سپاه پاسداران، شرکت متروی تهران، و افرادی مانند پاسدار عباس محتاج، پاسدار ذوالقدر، محمد چهرمی، محسن رفیق دوست، صادق محصولی، محمد علی آبادی، واعظ طیبی، و ذری نجف آبادی، در صدر سوء استفاده کنندگان از طرح بنگاه های زودبازده قرار دارند. به این شیوه، لایه های انگلی سرمایه داری ایران و کانون های پرنفوذ مالی و سیاسی ثروت ملی را به غارت برده و می برند!

### تعرض ارتجاع به حقوق اقلیت های مذهبی

پیگرد و بازداشت هم میهنان بهایی در چند شهر کشور، احضار و تهدید گروهی از دراویش گنابادی، اخراج از کار و ممانعت از استخدام و تحصیل تعدادی از پیروان اهل حق (یارستان)، و بی توجهی به خواسته ها و حقوق اهل سنت، و تهدید و ارباب هم میهنان زرتشتی و دیگر اقلیت های مذهبی، در ماه های اخیر، به روال عادی عملکرد ارگان های امنیتی و دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه بدل گردیده است.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که، طی سه دهه گذشته یکی از وظیفه های دایمی ارگان های سرکوب و دستگاه های تبلیغاتی واپس گرایان حاکم، نقض حقوق اقلیت های مذهبی و پیگرد و ممانعت تراشی در زندگی آن ها بوده است. این سیاست ضدملی و مغایر با سنت ها و فرهنگ ملی ایران که اقلیت های مذهبی در شکل گیری و اعتلای آن نقش جدی داشته اند، در طول سال های اخیر شدت بیشتری یافته است. به ویژه باید یادآوری کرد که، در یک سال گذشته محفل های واپس گرا و کهنه پرست قشری با حمایت های همه جانبه دولت احمدی نژاد و بیت رهبری برنامه سرکوب هدفمند را بر ضد بخشی از جامعه ایران، یعنی هم میهنان زرتشتی، آشوری، ارمنی، کلیمی، بهایی، اهل سنت، پیروان اهل حق، دراویش، و دیگر دگراندیشان و اقلیت های مذهبی به شکل های مختلف و در سطح های گوناگون به اجرا درآورده اند.

در این خصوص، چندی پیش پایگاه اطلاع رسانی "جرس"، از قول رهبران مذهبی اهل سنت استان بلوچستان، گزارش داد: "بزرگترین خواسته جامعه اهل سنت ایران آن است که در همه شئون مذهبی، اداری و حاکمیت بر سر نوشت خویش و مشارکت در اداره امور کشور به رسمیت شناخته شوند. . . اگرچه قانون اساسی اهل سنت را به رسمیت شناخته است، اما در عمل اهل سنت در استخدام ها و واگذاری پستها و مناصب حضور یکسانی ندارند و مورد تبعیض واقع می شوند. . . مدارس و مساجد اهل سنت نباید تحت پوشش علما و روحانیت شیعه [بخوان دفاتر نمایندگی ولی فقیه] باشد، بلکه برنامه ریزی برای اداره مدارس و مساجد اهل سنت به خود آنان واگذار شود."

به علاوه، در استان های آذربایجان غربی و کردستان نیز، طی ماه های اخیر، گروهی از آموزگاران و دبیران متعهد کشور صرفاً به دلیل تعلق های مذهبی و فکری خود از تدریس در دبستان و دبیرستان ها محروم شده اند. ممنوع تدریس کردن این آموزگاران موجب شکل گیری بی اعتمادی و نارضایتی در این منطقه ها شده است که فقط و فقط نیروهای مرتجع و وابسته به



### طرح بنگاه های زودبازده، یا چپاول ثروت ملی از سوی سپاه و بنیادهای انگلی

طرح ایجاد و گسترش بنگاه های کوچک زودبازده - که از زمان اجرای سیاست خانمانسوز "تعدیل اقتصادی" در کشور از سوی دولت های مختلف جمهوری اسلامی حمایت شده است، از زمان برگماری دولت احمدی نژاد به وسیله ولی فقیه، دامنه گسترده تری به خود گرفت و سرمایه های هنگفتی به آن اختصاص یافت.

دولت قشری و راست گرای احمدی نژاد این طرح را در کنار برنامه هدفمندی یارانه ها، دو طرح بزرگ اقتصادی - اجتماعی "راهگشای" خود می نامند. اینک با انتشار گزارش عملکرد عساله "برنامه چهارم توسعه" روشن شده است که این طرح نه تنها موفق نبوده و نتوانسته به ایجاد اشتغال در کشور یاری برساند، بلکه حیف و میل میلیاردها تومان از بودجه های کل کشور را هم سبب شده است.

خبرگزاری "مهر"، ۵ آبان ماه، ضمن درج بخش های اصلی این گزارش، خبر داد: "۶۰ درصد اهداف زودبازده ها محقق نشد. پس از چند سال گمانه زنی و اختلاف نظر بین دستگاه ها درباره نتایج عملکرد اشتغالی زودبازده ها، گزارش عساله برنامه چهارم توسعه نشان می دهد ۶۰ درصد اهداف ایجاد اشتغال این طرح به انحراف رفته است. . . علاوه بر گزارش بانک مرکزی درباره انحراف زودبازده ها از اهداف اولیه و هزینه شدن تسهیلات دریافتی با نام زودبازده در سایر بخش ها از جمله مسکن (و واردات کالا)، برخی دیگر از دستگاه ها مانند سازمان بازرسی و پلیس نیز . . . گزارشاتی را مبنی بر انحراف قابل توجه تسهیلات پرداخت شده به زودبازده ها منتشر کردند. . . انتشار گزارش عملکرد عساله برنامه چهارم توسعه نشان می دهد که عملکرد زودبازده ها به آنچه که گزارشات بانک مرکزی و دستگاه های دیگر درباره منحرف شدن طرح مطرح می کنند نزدیک تر است."

روزنامه "آرمان روابط عمومی"، ۶ آبان ماه، نیز در این خصوص نوشت: "در گزارش عساله برنامه چهارم توسعه در بخش گسترش بنگاه های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرینی کشور . . . بیش از ۶۰ درصد انحراف وجود دارد. در همین رابطه باید به نسبت قراردادهای منعقد شده به طرح های تأیید شده توسط بانک ها اشاره کرد که این نسبت در سال ۸۸ به میزان ۸۷ درصد و در پایان سال ۸۹ به میزان ۸۶ درصد بوده است. به عبارتی می توان گفت درصد بسیار بالایی از طرح های معرفی شده به بانک ها در قالب زودبازده ها تأیید شدند.



## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

بیگانگان (امپریالیسم) از آن سوء استفاده می کنند. هم‌میهنان زرتشتی نیز در ماه‌های اخیر به دفعات از سوی محفل‌های تاریک‌اندیش و قشری مذهبی شامل وابستگان به سپاه پاسداران و نمایندگی‌های ولی فقیه در استان‌های یزد و کرمان، مورد تهدید قرار گرفته و فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های زرتشتی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است.

همچنین در استان‌های کرمانشاه و ایلام پیروان اهل حق از سوی نیروی انتظامی، اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات زیر فشار قرار دارند و عده‌یی از این هم‌میهنان ما صرفاً به دلیل تعلق مذهبی از کار اخراج شده‌اند.

در ماه‌های اخیر بیشترین فشار بر روی هم‌میهنان بهایی متمرکز بوده است. در مهرماه امسال ماموران امنیتی در یک اقدام برنامه‌ریزی شده به بیش از ۲۰ خانه در شهر گرگان حمله کرده و ۱۷ تن از هم‌میهنان بهایی را بدون دلیل بازداشت و روانه زندان ساختند. علاوه بر گرگان، بازداشت‌های وسیعی نیز در شهرهای تبریز، مشهد، اصفهان، رشت، و سمنان صورت گرفته است که در خلال آن ده‌ها پیرو آیین بهایی دستگیر و مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. مطابق آخرین گزارش‌ها، در ۹ آبان ماه، ۱۱ نفر از هم‌میهنان بهایی در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد محاکمه شدند.

همزمان، دادگاه انقلاب اسلامی شیراز نیز ۴ تن از پیروان دراویش گنابادی را احضار کرد. کمتر از ۱ ماه قبل بود که دادگاهی در شهر گناباد برای تعدادی از دراویش حکم شلاق و حبس صادر کرده بود. سیاست خائنانه رژیم ولایت فقیه در قبال اقلیت‌های مذهبی کشور، ضربه‌یی هولناک به خلاقیت و پویایی حال و آینده جامعه ایران است. باید با این سیاست تبعیض‌آمیز و نفرت‌انگیز ارتجاع قاطعانه مبارزه و افشاگری کرد و از حقوق اقلیت‌های مذهبی حمایت کرد!

## بهداشت و درمان، دور از دسترس توده‌های محروم!

معضل گرانی و هزینه سنگین دارو و بهداشت یکی از جدی‌ترین چالش‌های مردم طی سالیان اخیر بوده است. این مشکل از زمان اجرای برنامه هدف‌ساختن یارانه‌ها - آزادسازی اقتصادی - و شدت یافتن تحریم‌ها، دامنه گسترده و نگران‌کننده به خود گرفته است. در حالی که مسئولان ریزو درشت رژیم ولایت فقیه در هفته‌های اخیر اعلام کرده‌اند که، بر اثر تحریم‌ها جان مبتلایان به بیماری‌های خاص مانند سرطان، بیماری‌های کلیوی، و ربوی در خطر است، وزیر بهداشت دولت مردم‌ستیز احمدی‌نژاد با صراحت تمام اعتراف کرده است که سالیانه بیش از ۷ درصد مردم کشور به علت هزینه‌های درمان زیر خط فقر قرار می‌گیرند.

خبرگزاری "کار ایران" ("ایلنا")، ۲۴ مهرماه، در گزارشی نوشت: "مرضیه وحید دستجردی [وزیر بهداشت] در سومین گردهمایی بزرگ دست‌انکاران نظام سلامت گفت، مردم سالانه حدود ۹/۵۴ درصد هزینه‌های سلامت را از جیب خود پرداخت می‌کنند و بیمه‌ها ۱۸/۶ درصد، بیمه‌های خصوصی ۳/۷ درصد و دولت ۲۰ درصد هزینه سلامت مردم را تأمین می‌کنند... ۵ تا ۷/۵ درصد مردم جامعه هر ساله به علت هزینه‌های بیماری‌های صعب‌العلاج و خاص به زیر خط فقر می‌روند."

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: "۸۳/۱۶ درصد جمعیت ما از هیچ پوشش بیمه‌ای برخوردار نبوده و تنها حدود ۸۳ درصد مردم بیمه می‌باشند و حدود ۵ درصد از ۲ یا چند دفتر بیمه پایه برخوردار هستند... بودجه وزارت بهداشت سیر صعودی ندارد."

اعتراف‌های وزیر بهداشت معیار مناسبی برای قضاوت درباره سیاست‌های اجتماعی رژیم ولایت فقیه و عملکرد ضدمردمی دولت احمدی‌نژاد است. به علاوه، آمارهای ارائه شده از سوی وزیر نام‌برده، ماهیت و محتوای برنامه‌های اقتصادی حاکمیت، نگرش سران رژیم به‌ویژه ولی فقیه و طرح به اصطلاح "اقتصاد مقاومتی" او را به خوبی نشان می‌دهد.

دولت احمدی‌نژاد که با شعارهای عوام‌فریبانه و مدعیاتی پوچ نظیر: "عدالت محوری"، و با حمایت ولی فقیه و نهادهای نظامی - امنیتی بر کرسی قوه مجریه تکیه زد، با عملکرد مخرب خود، رواج فقر در بدهایی بی‌سابقه را سبب گردیده است که دسترسی نداشتن اکثریت جامعه، به‌خصوص طبقه‌های محروم، به بهداشت و درمان نمونه‌یی از آن است. درباره معضل هزینه‌های سنگین و

کمرشکن دارو و بهداشت، و طبقاتی شدن امور مربوط به سلامت، موضع‌گیری‌های گروهی از پزشکان و متخصصان میهن ما شایان توجه جدی است. در جریان "بیستمین کنگره انجمن جراحان ارتوپدی ایران"، عده‌یی از پزشکان جراح به افزایش هزینه‌های درمانی و دسترسی نداشتن مردم به دارو و پزشک اعتراض و ابراز نگرانی کردند. خبرگزاری "مهر"، ۲۴ مهرماه، در گزارشی از "بیستمین کنگره جراحان ارتوپدی" کشور، نوشت: "دبیر بیستمین کنگره انجمن جراحان گفت، در حال حاضر هزینه‌های درمانی در ایران بسیار بالاست... اگر فردی بخواهد برای درمان به هندوستان برود ممکن است تمام هزینه سفر او با ۲۰۰۰ دلار صورت بگیرد اما این درمان در ایران نزدیک به ۳۰۰۰ دلار هزینه خواهد داشت... حقوق کارمند و کارگر با درآمد بیمارستان‌ها تناسبی ندارد... این افراد [کارگر و کارمند] چندان قدرت خریدی در جامعه ندارند اما برای مراجعه به بیمارستان‌ها باید هزینه بالایی بپردازند. این هزینه‌ها مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورند."

سقوط بیش از ۷ درصد جامعه در سال به زیر خط فقر فقط به دلیل پرداخت هزینه‌های سنگین درمان و بهداشت، فاجعه‌یی به تمام معناست. مطابق آمارهای منتشر شده در چند سال اخیر، یعنی از زمان برگماری دولت ضدملی احمدی‌نژاد، فقر در کشور افزایش یافته است، و اکنون لاقلاً ۳۵ درصد از جمعیت کل کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. با گسترش بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی، دسترسی به درمان و بهداشت برای توده‌های محروم بیش از گذشته دشوار و حتی ناممکن می‌گردد. یگانه راه حل معضل هزینه‌های سنگین درمان، تغییر برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی ضدمردمی است.

## ادامه شورای جهانی صلح ...

نگنجیده بود که اسرائیل از این بخش از فلسطین عقب کشیده است، به‌خصوص در این روزها که ماشین نظامی سرکوب‌گر اسرائیل در حال فراهم آوردن زمینه‌یی به منظور تجاوزی دوباره است. یادآوری می‌کنیم که، رژیم اسرائیل همچنان به اشغال بخش‌های بزرگی از کرانه غربی و اورشلیم شرقی، و ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین [و ساختن دیوار حائل ادامه می‌دهد. شورای جهانی صلح، بدین سبب که: این بالا گرفتن و گسترش تجاوزگری اسرائیل در خلال دوره‌یی روی می‌دهد که تجاوزگری "ناتو" و ایالات متحد آمریکا - متحدان کلیدی و محافظان نیروهای اشغالگر اسرائیلی - در منطقه در حال افزایش است، خشم و نگرانی ژرف خود را اعلام می‌دارد. ما همچنین سکوت تبهکارانه اتحادیه اروپا را در همدستی‌اش با جنایت‌های اسرائیل، محکوم می‌کنیم. ما توقف فوری حمله‌های اسرائیل به نوار غزه فلسطینی را خواستاریم!

ما مداخله نظامی و سیاسی در امور داخلی سوریه را محکوم می‌کنیم!

ما از برقراری و شناسایی دولت مستقل فلسطین، در درون مرزهای ۱۹۴۷ و به پایتختی اورشلیم شرقی، به طور کامل حمایت می‌کنیم!

## دبیرخانه شورای جهانی صلح

آتن، یونان ۱۶ نوامبر ۲۰۱۲ (۲۵ آبان ماه ۱۳۹۱).

حزب توده ایران همراه با همه نیروهای مترقی و انسان‌دوست جهان حملات جنایتکارانه دولت اسرائیل بر ضد مردم غیر نظامی و بی دفاع غزه را به شدت محکوم کرده و بار دیگر حمایت خود را از حق مردم فلسطین در تشکیل دولت مستقل شان را اعلام می‌دارد

ادامه اوج گیری اختلاف های حکومتی ...



دوم خرداد باشند. آن زمان صف بندی جدیدی انجام خواهد شد که یاران تازه ای را برای جناح منتقد به ارمغان خواهد آورد (امیر محبیبان، رسالت، ۱۸ دیبهبهشت ماه ۱۳۸۰).

مقاله "نامه مردم" در آن تاریخ سپس به تشریح شیوه های گوناگون رژیم ولایت فقیه برای مقابله با جنبش مردم و به پا خاستن توده ها پرداخته است و از جمله با اشاره به این تلاش ها، توسل به ترفند حزب سازی را مورد بررسی قرار داده است و در این ارتباط اشاره می کند: "وضعیت جنبش اصلاحی و حرکت عظیم که در داخل جامعه ایران شکل گرفته است علاوه بر آنکه نشانگر تحولات عمیقی در زیرین ترین لایه های اجتماعی است، مرتجعان حاکم را نیز مجبور کرده بر رغم میل باطنی نیز دم از اصلاحات بزنند. از نمونه این تحول می توان به رشد احزاب رژیم ساخته ای استناد کرد که در طول چند سال اخیر با ادعای مردم سالاری و حمایت از اصلاحات از هر گوشه و به طور ناگهانی و یک شبه به وجود آمده اند."

مقاله "نامه مردم" در آن تاریخ اتفاقا موضوع کلیدی اش به اقدام های ضد مردمی و ضد اصلاح طلبانه ابراهیم اصغر زاده اختصاص دارد و در ادامه با اشاره به این ترفند، می نویسد: "حکایت حزب "همبستگی" از همین مقولات است اما با شکل ویژه و کاملا حساب شده که به تدریج نیات واقعی آن نشان داده می شود."

"نامه مردم" در آن مقطع به روند تغییر و تحول هایی که در "حزب همبستگی" اتفاق افتاد، پرداخت و نوشت: "اولین نکته ای که در مورد اعضای حزب همبستگی باید خاطر نشان کرد این است که افراد حاضر در مجموعه فعلی در اوایل اقدام به تاسیس جبهه یی کردند به نام "جبهه اصلاح طلبان" که اعضای به اصطلاح مؤسس آن مرکب از کواکیبیان، و حکیمی پور مصاحبه یی مطبوعاتی نیز برگزار کردند که ایرنا، ۲۲ اردیبهشت ۸۰ آن را مخابره کرد. بر رغم این اعلام، کمتر کسی از وجود و نام این جبهه یاد و نامی به خاطر دارد. به این خاطر بود که ترفندهای جدید قرار شد با شیوه ای کاملا جدید به اجرا درآید. روزنامه و حزب همبستگی قبل از این تغییر و تحولات هم مدیر مسئول و هم دبیر کل دیگری داشت. محمد رضا راه چمنی دبیر کل سابق حزب همبستگی در یک حرکت برنامه ریزی شده و به طور آرام و بی سر و صدا از این حزب خارج و عهده دار پست ریاست سازمان بهزیستی کشور گردید و جای خویش را در این "حزب" به کسانی داد که قرار بود "جبهه اصلاح طلبان" را تشکیل دهند. در رژیمی که ایجاد تشکل های خارج از کنترل حکومت به آسانی میسر نیست افرادی همچون کواکیبیان و حکیمی پور وارد یک حزب قبلا تشکیل شده می گردند و اصغر زاده دانشجوی خط امامی سابقی که در تسخیر سفارت آمریکا نقش داشت نیز یکشنبه به دبیر کلی این حزب برگزیده می شود." مقاله "نامه مردم" در ادامه افشای صورت گرفته از سوی اعضای "حزب همبستگی" می پردازد و ادامه می دهد: "چندی پس از این اقدامات ما شاهد هستیم که روند حرکت های اخیر از جانب حزب همبستگی با اعضاء و دبیر کل جدید چه اهدافی را به دنبال دارد. از چندی پیش که دامنه اختلافات در شورای شهر تهران بالا گرفت و در نهایت به انحلال این شورا انجامید را باید آغاز پروژه ای ارزیابی کرد که امیر محبیبان آن را "نگرانی های درونی سران دوم خرداد" پیش بینی کرده است. اخیرا الیاس حضرتی در مصاحبه ای که انجام داده در ارتباط با انتخابات شوراهای و مساله ائتلاف، گفت: "حزب همبستگی در ابتدا آماده همکاری و ائتلاف با خانواده بزرگ دوم خرداد است و در جهت تقویت این ائتلاف حرکت می کند که البته بر مبنای صاحب اختیاری یک حزب خاص برای لیست موجود نیست، بلکه هر حزبی باید در این لیست ائتلافی سهمی داشته باشد" (همبستگی، بهمن). "نامه مردم در اشاره به این صحبت ها، این سوال را مطرح می کند که، با توجه به اختلاف های اصغر زاده و همفکرانش با اصلاح طلبان، اصرار آنان به ائتلاف با جریان "دوم خرداد" چه معنایی می تواند داشته باشد، و می نویسد: "نکته جالب آنکه اصغر زاده و همفکرانش در حالی به این مانورها ادامه می دهند که اخیرا در جلسه گروه های جبهه دوم خرداد برای ائتلاف در انتخابات شوراهای شرکت کرده اند. اگر این جریان معتقد است که انتقادهای جدی به روند حرکت های تاکتونی دیگر اصلاح طلبان وارد است پس نقطه مشترک آنها در جریان انتخابات پیش رو در رابطه با ائتلاف چه می باشد؟ مگر سطح اختلافات آنها به جایی نرسید که باعث انحلال

کرد. "کلمه" در قسمتی از این مطلب و "چکیده" آن می نویسد: "اصغر زاده بعد از مدت ها سکوت دیشب برای حدود دو ساعت صدای مردمی شد که حکومت برای آنها سخنگویی باقی نگذاشته است و این موقعیتی قابل تقدیر است." سایت "کلمه" در سرتاسر این مطلب با دست چین کردن سخنان اصغر زاده در مناظره با شریعتمداری، سعی می کند از او چهره یی مردمی و طرفدار خط امام و اصلاحات و پشتیبان خاتمی و رفسنجانی ارائه دهد، و از این منظر اتفاقا کمبودی در این مطلب نیست. در قسمتی از مقاله سایت کلمه آمده است: "بسیاری از بینندگان مناظره دیشب، می دیدند بالاخره پس از مدتها دوباره نگاهی متفاوت به رسانه ملی راه یافته و اجازه طرح پیدا کرده است. در این مناظره ابراهیم اصغر زاده در برابر شریعتمداری سخنان خوبی را مطرح کرد که بخشی از دغدغه افکار عمومی است." سایت "کلمه" در این مقاله با گزینش صحبت های اصغر زاده که به مقایسه سیاست های دولت های رفسنجانی و خاتمی با دولت احمدی نژاد پرداخته است اشاره می شود، و بدون اشاره به "ولی فقیه"، تیغ تیز حمله ها را متوجه احمدی نژاد کرده است. به نظر می رسد که هر دو طرف مناظره هدفی دیگر از این خیمه شب بازی را نیز برنامه ریزی کرده بودند، و آن بسترسازی ای بود برای راه کارهای عملی به منظور مذاکره با آمریکا.

صرف نظر از تلاش های صورت گرفته در بین مقام های حکومتی برای ارتباط با آمریکا، مسئله مهم و کلیدی در این بحث نوع نگرشی است که سایت "کلمه" در صدد است نسبت به ابراهیم اصغر زاده به خواننده القا کند. به نظر نمی رسد که گردانندگان سایت "کلمه" از ماهیت ضد مردمی نقطه نظرهای ابراهیم اصغر زاده اطلاع نداشته باشند. اصغر زاده در دوران اصلاحات تمام سعی خویش را به کار برد و ضربه های جدی ای به روند اصلاحات وارد کرد. از جمله اقدام های مخرب وی، نقشی بود که در انحلال "شورای شهر تهران" در سال ۸۱ ایفا کرد. وی در رابطه با انحلال "شورای شهر تهران" در مصاحبه با ایسنا، ۲۵ آدی ماه ۸۱، گفت: "کشورمان با بحران بزرگ اقتصادی تحت عنوان افزایش قیمت زمین و مسکن روبه رو است و شهرداری تهران به دلیل گردش مالی بسیار گسترده که در تهران دارد و به دلیل این که ما با یک سازمان بسیار مهم در عرصه ملی روبه رو هستیم، نظارت، و دقت و دخالت مردم تنها از طریق نهادهای مدنی امکان پذیر است. به دلیل اتفاقات اخیر تبریک می گویم، به خاطر سازمان دهی دقیقی که کردند و تاثیری که بر نهادهای تصمیم گیر گذاشتند و یک شورای شهر را از عرصه تصمیم گیری خارج کردند، اصلاح طلبان و دولت خاتمی باید پاسخگوی این اتفاق باشند." ابراهیم اصغر زاده که از مهره های برجسته طرفداران هاشمی رفسنجانی است، در آن زمان همراه با دیگر همفکرانش همچون عطریانفر و اشرف بروجردی، زیر لوای اصلاح طلبی چنان وضعیتی را موجب شدند که در نهایت "شورای شهر تهران" را به انحلال کشاند. به نظر می رسد که ابراهیم اصغر زاده این نقش را بار دیگر به شکل و شمایل جدید به عهده گرفته است و البته موضوع نگران کننده اینکه این عنصر ضد مردمی و در خدمت ارتجاع مورد پشتیبانی سایتی قرار می گیرد که ادعای اصلاح طلبی و حمایت از مردم را دارد. حزب توده ایران در آن مقطع به افشای چهره فرصت طلب وضد مردمی اصغر زاده پرداخت، و مقاله افشاگرانه یی نیز در "نامه مردم"، شماره ۶۵۳ بهمن ماه ۱۳۸۱، یعنی نزدیک به ده سال پیش، منتشر کرد. در این مقاله ابتدا به "پیش بینی" های امیر محبیبان در رابطه با اصلاح طلبان اشاره شده که می گوید: "انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ نقطه عطفی در ساختار تشکیلاتی و نیز جهت گیری های آتی جناح دولتی خواهد بود. از این پس نگرانی های سران دوم خرداد درونی خواهد بود نه بیرونی و جناح منتقد، آرام و صبور می تواند شاهد شکل گیری، تکثر سازمانی و عقیدتی درون جبهه

## سوداگران مرگ در خلیج فارس!

دولت انگلستان که به دروغ خود را مدافع حقوق بشر جلوه می دهد، در عمل همواره یکی از حامیان رژیم های دیکتاتوری حاکم بر کشورهای عربی خلیج فارس بوده است که بزرگ ترین ذخیره های نفتی جهان را در زیر خاک خود دارند، و همواره نیز به طور صریح حقوق بشر را در کشورهايشان نادیده می گیرند. دولت عربستان سعودی کنترل بسیار شدید و همه جانبه ای را در رابطه با هرگونه تظاهرات مردمی و فعالیت رسانه های عمومی اعمال می کند. صدها هزار کارگر مهاجر در این کشور در شرایطی بسیار دشوار کار و زندگی می کنند. مقام های دولتی تبعیض نسبت به زنان و شهروندان اقلیت شیعه را به طور سیستماتیک ترویج می کنند. توجه برانگیز اینکه، در تابستان امسال، پس از فشارهای همه جانبه دیپلماتیک و تهدید به اینکه اگر ورزشکاران زن در تیم شرکت کننده در بازی های المپیک لندن گنجانده نشوند، به دلیل نقض منشور المپیک این کشور از شرکت در بازی ها منع خواهد شد، دو ورزشکار زن در گروه اعزامی از عربستان سعودی جای داده شدند. "نهاد اطلاعاتی اکونومیست" در سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی را در رابطه با شاخص دموکراسی در میان ۱۶۷ کشور در رتبه ۱۶۱ قرار داده بود. عربستان از نظر کارنامه حقوق بشر، در فهرست "کشورهای نگران کننده" وزارت خارجه انگلستان قرار دارد. با وجود این، وزارت دفاع انگلستان از امضای قراردادی با عربستان سعودی در مورد پروژه نیروهای نظامی ای که کارمندان نظامی و غیرنظامی را هم در انگلستان و هم در عربستان سعودی استخدام خواهد کرد، بسیار شاد و راضی است.

البته رابطه نزدیک انگلستان با عربستان سعودی مسئله جدیدی نیست. خانم مارگارت تاچر، نخست وزیر نوبلیرال و جنجالی انگلستان در دهه ۱۹۸۰، قرارداد هنگفت تسلیحاتی "الیمامه" را که از همان ابتدا با اتهام پورسانت گیری های کلان مقام های بالای دولتی عربستان در رابطه با آن مورد انتقاد بود، تصویب و امضا کرد. در آن مقطع زمانی، قرارداد "الیمامه" بزرگ ترین معامله تسلیحاتی انگلستان بود و از همان آغاز در رابطه با فساد و رشوه خواری در آن، به خصوص بر سر خرید هواپیماهای "جنگنده اروپائی تایفون"، مورد سوءظن بود. دایره ویژه تقلب های مالی جدی انگلستان، تحقیق قضایی گسترده ای پیرامون مسئله رشوه دهی های انگلستان به مقام های عربستان سعودی را آغاز کرد. در زمانی که این تحقیق ها نزدیک به پایان و اعلام نتیجه بود، نخست وزیر وقت انگلستان، تونی بلر، در سال ۲۰۰۶، به دلیل اظهار نگرانی مقام های عربستان سعودی، تحقیق ها را متوقف کرد و به رژیم عربستان سعودی اطمینان داد که به هیچ وجه واهمی از پیامدهای قضایی آن به خود راه ندهد. انگلستان در ۲۰۰۹ و در تاریخ مقرر دو فروند "جنگنده اروپایی تایفون" را به عربستان سعودی تحویل داد.

دیدار اخیر کامرون از کشورهای عربی خلیج فارس در اساس ادامه سیاستی است که "تاچر" و "بلر" نیز از آن حمایت می کردند. واقعیت این است که، سفر نخست وزیر انگلستان، به موازات همکاری "ئاتو" با کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس"، را باید در رابطه با تشویق و تقویت نیروهای "متحد" امپریالیسم در منطقه ارزیابی کرد که نیروهای مخالف دولت کنونی سوریه و آن هایی را که در تلاش تدارک جنگ با ایرانند را نیز دربر می گیرد. بسیاری از دولت های عربی به درستی به نقض حقوق بشر از سوی ایران اشاره و از آن انتقاد می کنند، اما هرگز توازنی بین این انتقاد و انتقاد از عربستان سعودی و یا بحرین مشاهده نمی شود. خطر حمله ای نظامی به ایران در ماه های اخیر تیرهای نخست گزارش های خبری بوده است. دولت انگلستان سعی دارد که در سازمان دهی این اقدام جنایتکارانه بر ضد مردم ایران نقشی کلیدی داشته باشد. این مسئله که "دیوید کامرون" در دیدار خود از کشورهای منطقه سعی کرد پایگاه جدیدی برای نیروهای نظامی انگلیسی به دست آورد، یا به عبارتی، پایگاهی که برای بخشی از تدارک حمله به ایران بتوان از آن استفاده کرد، توجه برانگیز است! دولت دست راستی انگلستان تلاش کرد تا با تقویت حضور خود در منطقه خاورمیانه و در خلیج فارس در شکل گیری تحول های آینده در ارتباط با کشورهای منطقه، منابع عظیم نفت و گازش، و بازارهای گسترده و آماده آن، نقشی تعیین کننده داشته باشد. سفر نخست وزیر انگلستان به عربستان سعودی و امارات متحده عربی بار دیگر ثابت کرد که کشورهای امپریالیستی در خاورمیانه فقط و فقط به دنبال حفظ و گسترش منافع امپریالیستی خودند، و حقوق بشر و خواست های برحق توده های محروم کشورهای دیکتاتور زده منطقه در محاسبه های آن ها جایی ندارند. امپریالیسم هیچ گاه نمی تواند حمایت کننده مبارزه خلق ها برای دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. این حقیقت را درگرباره و صدمبار به انسانی که در استکهلم، بروکسل، واشنگتن، و پراگ، در تلاش به وجود آوردن "آلترناتیو" برای رژیم ولایت فقیه بر پایه حمایت ها و امکان های کشورهای قدرتمند سرمایه داری جهان اند، باید گوشزد کرد. این راه به ناکجا آباد ختم می شود. نیروهای صادق باید تا دیر نشده راه خود را از این کوشش ها جدا کنند.

دیوید کامرون، نخست وزیر دست راستی انگلستان، به همراه عده ای از وزیران اصلی کابینه اش و جمعی بی عار از صاحبان صنایع انگلستان، در نیمه آبان ماه، از کشورهای حاشیه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه بازدید کرد. گرچه مطبوعات دست راستی انگلستان سعی کردند که هدف واقعی این بازدید مهم رئیس دولت ائتلافی حاکم بر امپریالیسم کهنه کار انگلیس را حمایت از "گسترش دموکراسی و حقوق بشر" در این کشورها جلوه دهند، اما واقعیت به کلی چیز دیگری بود. در این سفر، آقای کامرون همراه با تلاش برای گسترش نفوذ دیپلماتیک، اقتصادی، و نظامی انگلستان، در صدد تقویت جبهه کشورهای مرتجع خاورمیانه در جنگ اهریمنانه ای بود که در نیابت از امپریالیسم جهانی و در هماهنگی با پیمان ناتو- در به راه انداختن آن مصممند. دولت های حاکم بر بیشتر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، دیکتاتوری و ارتجاعی اند، و در مقام حفظان منافع استراتژیک امپریالیسم در این منطقه نفت خیز، که مسیر راه صدور نفت و گاز به بازارهای جهان سرمایه داری است، عمل می کنند. دیدار سه روزه نخست وزیر انگلستان از کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه، به طور عمده با هدف بهبود روابط انگلستان، بازگرداندن نقش سنتی و قدیمی امپریالیسم انگلستان در روی دنده های خاورمیانه، و فروش محصولات شرکت های اسلحه سازی این کشور- به ویژه فروش ۶۰ فروند هواپیمای جنگنده تایفون به امارات متحده عربی و یا هر کشور دیگری که مایل به خرید آن ها باشد- صورت گرفت. این دیدار در شرایطی انجام شد که بسیاری از نیروهای مترقی و صلح طلب نگران تحول های اخیر و احتمال شعله ور شدن جنگی فزاینده در منطقه اند. دیوید کامرون، در مصاحبه ای با بی بی سی، در ارتباط با کوشش برای امضای قراردادهای فروش اسلحه به کشورهای عربی خلیج فارس، گفت که، بابت مذاکره برای فروش اسلحه و گسترش روابط انگلستان با امارات متحده عربی و عربستان سعودی هیچ پوزشی نخواهد خواست. او ابراز نظر کرد: "امنیت آن ها برای امنیت ما مهم است و این برای ایجاد شغل در انگلستان حیاتی است." انگلستان و امارات متحده عربی، در طول بازدید دو روزه دیوید کامرون از امارات متحده عربی، قرارداد همکاری دفاعی دو جانبه ای را امضا کردند. کامرون سعی دارد که صدها میلیارد دلار ذخیره های ارزی کشورهای عربی را به منظور سرمایه گذاری در صنایع انرژی جایگزین در انگلستان، جلب کند و موقعیت ممتاز گذشته استعمار فرتوت بریتانیای کبیر در خاورمیانه را دوباره زنده کند. حقیقت اینکه، کارنامه حقوق بشری بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس، به خصوص عربستان سعودی، بسیار اسفبار و وحشتناک است. حضور نظامی انگلستان در بحرین، مقارن بوده است با دو سال سرکوب وحشیانه، بازداشت، و زندانی کردن گسترده مبارزان راه دموکراسی و انسانی که خواهان پیروی دولت از قانون اساسی زمان استقلال این شیخ نشین بوده اند. یک ماه قبل از سفر کامرون، سفیر عربستان سعودی در لندن در سخنانی بسیار دور از انتظار گفت که، کشور متبوعش گزارش تحقیق کمیسیون امور خارجی مجلس عوام انگلیس در مورد روابط عربستان سعودی و بحرین را توهین به عربستان تلقی کرده است. یک سال پیش، عربستان سعودی، قوی ترین کشور در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، "نیروهای نظامی خود را برای حمایت از امیر بحرین در رویارویی با قیام مردمی، به بحرین فرستاد. سفیر عربستان در لندن در ادامه سخنان خود ادعا کرد که، کمیسیون امور خارجی پارلمان انگلستان زیر نفوذ اپوزیسیون بحرین قرار گرفته است، و بدون اینکه متوجه باشد، به ابزاری برای پیشبرد سیاست های ایران در منطقه تبدیل شده است. در حقیقت دولت انگلستان همیشه بهبود روابط لحظه ای خود با رژیم های حاکم بر این کشورها و حفظ منافع بلاواسطه خود را بر مصالح صلح جهانی، ثبات اوضاع سیاسی در منطقه، و منافع واقعی مردم این کشورها ترجیح داده است. دولت انگلستان در حالی که ادعا می کند که از جنبش مردم خاورمیانه موسوم به "بهار عربی" حمایت می کند، در واقع همراه با آمریکا، برای تقویت "شورای همکاری خلیج فارس" و قدرت نظامی عظیم آن در خلیج فارس، که می تواند در هر جنگی برضد ایران به کار برده شود، در حال مانور بوده است.



## بحران در صنعت‌های کلیدی:

## چالش‌های رویاروی جنبش کارگری

روند بیکاری، اخراج، و حقوق‌های عقب‌افتاده از جمله موضوع‌هایی‌اند که ما در طول یکی دو دهه گذشته به تناوب در رابطه با کارگران و زحمتکشان شنیده و خوانده‌ایم. به دنبال اجرای تحریم‌های اقتصادی و شدید شدن هر چه بیشتر آن‌ها در طول یکی دو ماه گذشته از سوی آمریکا و "اتحادیه اروپا"، این روندها نیز سرعت بیشتری گرفته‌اند، و زندگی میلیون‌ها نفر از زحمتکشان میهن‌مان را به لبه یا به درون ورطه فروپاشی کشانده است. موضوع فوق‌العاده نگران‌کننده در رابطه با وضعیت کارگران اینک، این روندها آرام آرام دامن کارگرانی را نیز که در صنعت‌های کلیدی و بزرگ کار می‌کنند می‌گیرد، و بیم آن می‌رود که در ادامه این وضعیت هزاران نفر از آنان به طور مستقیم و غیر مستقیم با آینده‌ی فلاکت بار روبه‌رو شوند. برای مثال، در خبری که "ایلنا"، ۲۱ آبان‌ماه، مخابره کرد، بهروز نعمتی، نماینده مجلس، در رابطه با تعویق ۲ ماه حقوق کارگران "صنعت فولاد"، اعلام کرد که، ۸۸ هزار نفر از کارگران کارخانه "صنعت فولاد" از دریافت حقوق‌شان محروم شده‌اند. بر اساس این گزارش، وی از وزیر اقتصاد و صنعت معدن و تجارت خواستار رسیدگی به این موضوع شد. "صنعت فولاد" تنها مورد نگران‌کننده نیست؛ در طول شش ماه گذشته تاکنون خبرهای بسیاری را دریافت کرده‌ایم که نشان دهنده بحران واقعی در صنعت اتومبیل‌سازی ایران است. وضعیت "صنعت اتومبیل‌سازی" بدین سبب با اهمیت است که عده کارگران شاغل در آن بسیار پرشمار است، و همین امر نه تنها موجب نگرانی در بین زحمتکشان شده است، بلکه از سوی مقامات حکومتی نیز با حساسیت پیگیری می‌شود. روزنامه "ابتکار"، ۱۴ آبان‌ماه، در مقاله‌ی که به بررسی فعالیت "ایران خودرو" پرداخته، نوشته است که این شرکت در سال ۸۹ موفق به کسب رتبه اول اشتغال زایی در کشور شد. سایت "انتخاب"، در گزارشی که ۸ شهریورماه منتشر کرد، به نقل از نادر قاضی پور، عضو کمیسیون مجلس، اعلام کرد که، تعداد کارگرانی که در ارتباط با "صنایع خودرو سازی" در معرض بیکاری قرار دارند حدود دو میلیون نفرند. خبر سایت "انتخاب"، که در واقع به وام میلیاردی به صنایع خودرو سازی "ایران خودرو" و "سایپا" اختصاص دارد، به نقل از همین نماینده مجلس آورده است: "اختصاص دو وام ۵۰۰ میلیارد تومانی به دو شرکت بزرگ خودرو سازی برای جلوگیری از بیکاری کارگران شرکت‌های قطعه سازی صورت گرفته است. ... در صورت ادامه رکود دو شرکت خودرو سازی سایپا و ایران خودرو حدود دو میلیون نفر به بیکاران جامعه اضافه می‌شود." به گزارش روزنامه "دنیای اقتصاد"، ۱۰ آبان‌ماه: "... بر اساس توافقی به تازگی انجام شده، وزارت نفت و بانک مرکزی موافقت کرده‌اند تا یک و نیم میلیارد یورو از پول نفت صادراتی به اروپا، به شرکت‌های تأمین‌کننده قطعات و مواد اولیه مورد نیاز صنایع خودرو سازی و ماشین‌سازی ایران تعلق گیرد." کسانی که مسئله‌های کارگری را دنبال می‌کنند به خوبی واقفند که در رابطه با کارگاه‌های کوچک و کم اهمیت، حکومت هیچ‌گونه واکنش مثبتی نسبت به وضعیت کارگران نشان نمی‌دهد، و به همین دلیل با اخراج کارگران این کارگاه‌های تولیدی که با تعداد کمتری کارگر مشغول به کارند، آنان در وضعیتی قرار می‌گیرند که از سوی هیچ نهاد حکومتی و یا رسمی پشتیبانی نمی‌شوند. اما در عرصه صنعت‌های کلیدی، همان‌طور که گزارش‌های تاکنونی مشخص می‌کنند، به دلیل پیامدهایی که رکود یا تعطیل آن‌ها برای رژیم به همراه خواهد آورد، اقدام‌هایی را شاهدیم که نتیجه آن‌ها قاعدتاً نمی‌تواند ثبات و دوام داشته باشد و حکم داری مسکن و موقت را پیدا کرده‌اند. از هنگام آغاز بحران در صنعت خودرو سازی ما همچنین افزایش سرسام آور قیمت تولیدات آن‌ها را شاهدیم. این از جمله راه‌کارهایی است که برای جلوگیری از وخامت رو به افزایش این صنعت انجام شده است. سایت "فرآرو"، ۱۶ آبان‌ماه، در خبری گزارش داد: "در پی مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات بانکی و افزایش

۳۰۰ درصدی مواد اولیه قطعه سازان، شرکت پارس خودرو بار دیگر قیمت برخی از محصولات خود را افزایش داد. این در حالی است که وزیر صنعت روز گذشته از خودرو سازان به خاطر عدم پایداری به شروط افزایش قیمت انتقاد کرد. فرآرو در ادامه همین خبر به لیست قیمت‌های خودروهای تولید شده اشاره کرده است که بر اساس آن، خودرو "تیانا" از شرکت "پارس خودرو"، و خودرو "ماکسیما" از شرکت سایپا، تقریباً ۲۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته‌اند. "فرآرو"، به نقل از غضنفری، وزیر صنعت، می‌نویسد: "وزارت صنعت و سازمان حمایت، قیمت‌های بیشتر از نرخ‌های مصوب خودرو را نمی‌پذیرد و اگر گزارش تخلفی ارائه شود، تعزیرات حکومتی با خودرو سازان متخلف برخورد خواهد کرد." فرآرو از قول احمد نعمت بخش، دبیر انجمن خودروسازی، در رابطه با توافق یک و نیم میلیارد یورویی "بانک مرکزی"، "وزارت نفت"، و "صنعت و معدن" و اختصاص آن به "صنعت خودروسازی"، می‌نویسد: "مرکز مبادلات ارزی تاکنون حتی یک دلار به خودرو سازان نداده و هر موقع خودرو سازان تقاضای ارز کنند می‌گویند ما ارز نداریم." وی در ادامه اظهار داشت که، به دلیل کمبود نقدینگی ۶۶ درصد افت تولید در شهریورماه نسبت به سال گذشته دامن‌گیر خودرو سازان گردیده است. سایت "ملی مذهبی"، به نقل از سایت "عصر امروز" - که از یک منبع آگاه کسب اطلاع کرده است - با اشاره به تعطیلی ۵۰ درصدی خط‌های تولید "ایران خودرو"، می‌نویسد: "هم اکنون سایت تبریز دیگر وانت پیکان تولید نمی‌کند و در سایت بینالود خراسان نیز به علت نبود قطعه، تولید خودروی سوزوکی متوقف شده است." در رابطه با وضعیت کارگران شاغل نیز آورده است: "از مدت‌ها پیش اضافه کاری‌ها کاهش پیدا کرده به طوری که ابتدا به ۸۰ ساعت، سپس ۶۰ و ۳۰ ساعت و هم اکنون به صفر رسیده است." در ادامه آمده است: "ایران خودرو فارس نیز اقدام به تعدیل نیرو کرده است و شرکت‌های پیمانکار طرف قرارداد ایران خودرو نیز حقوق کارکنان را با تأخیر دو هفته‌ای می‌پردازند و به مرور در حال حذف مزایای کارگران و نیروهای خدماتی هستند." نکته جالب در این گزارش آن جاست که، به افزایش حقوق مدیران این صنعت اشاره می‌کند و می‌نویسد: "در حالی ایران خودرو اعلام می‌کند که با کمبود منابع مواجه است و به همین دلیل اقدام به کاهش مزایای کارکنان کرده است که به تازگی ۴۰ درصد به پایه حقوق مدیران اضافه کرده و به تمامی مدیران یک دستگاه رانا و یک ویلا در شهرک سمند رامسر به صورت رایگان اهدا کرده است." این گزارش به سخنان جواد نجم‌الدین اشاره دارد که اظهار داشته است که، ایران خودرو توان مدیریت این مجموعه بدون حمایت و کمک‌های دولتی را ندارد. "فرآرو"، ۱۲ آبان‌ماه، نوشت: "بر اساس جدیدترین آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت، در مهر ماه سال جاری در مجموع ۶۹ هزار و ۸۴۶ دستگاه انواع خودرو در کشور تولید شد که این مقدار نسبت به تولید ۱۵۹ هزار و ۱۶ دستگاهی مهر سال گذشته، ۱/۵۶ درصد کاهش نشان می‌دهد." حساسیت این موضوع نزد مقام‌های حکومتی آن چنان بالا گرفته است که خبرگزاری فارس، ۲۱ آبان‌ماه، گزارش داد که، مدیرعامل‌های "سایپا" و "ایران خودرو" برای توضیح افزایش قیمت‌های خودرو در "کمیسیون صنایع" مجلس حاضر شدند. مدیران نام‌برده، عدم اختصاص ارز را علت افزایش قیمت‌ها عنوان کردند. روزنامه اعتماد، ۲۱ آبان‌ماه، با توجه به بحران خودرو سازان و افزایش قیمت‌ها تا سقف ۲۰ میلیون تومان و روال کاهشی تولید که احتمالاً در مهر ماه و آبان به مرز ۷۰ درصد هم خواهد رسید، به نقل از حسین گروسی، عضو کمیسیون صنایع مجلس، می‌نویسد: "متأسفانه خودروسازان داخلی سال‌های گذشته به جای توجه به برندهای داخلی و وابستگی به تولید داخل به سمت وابستگی بیشتر به خودرو سازان خارجی و فرانسوی پیش رفته‌اند و کار را به جایی رساندند که با خروج پژو از ایران نیمی از خطوط تولید کشور بلا استفاده باقی ماند و موجب شد که تولید روال کاهشی به خود بگیرد." صحبت‌های کلیشه‌ای این نماینده مجلس نکته جدیدی دربر ندارد و تکرار صحبت‌های کارگزاران ضد مردمی‌ای است که به هنگام بحران‌های این چنینی به یاد تولید ملی و عدم وابستگی می‌افتند. نشریه "کارآمد"، نشریه گروه صنعتی ایران خودرو، ۱۸ مهرماه ۱۳۸۸، سخنان نجم‌الدین، مدیر عامل ایران خودرو، را در مراسم هم‌اندیشی با قطعه‌سازان را آورده که می‌گوید: "تمامی قطعه‌سازان برای تحقق خودکفایی و افزایش تولید ۲۰۶ کمر همت ببندند و ما دست تمامی قطعه‌سازان را در این حوزه می‌فشاریم. بر اساس توافق ایران خودرو و پژو تا پایان اردیبهشت ماه سال ۸۹، تولید پژو ۲۰۶ ۸۵ درصد خودکفایی خواهد رسید." سه سال پس از این سخنان، مدیر عامل ایران خودرو در مجلس اعلام می‌کند که، دولت ارز مورد نیاز برای ورود قطعات را پرداخت





عمق درک ارتجاعی و ضد انسانی سران رژیم از حقوق زنان

است.“  
به این ترتیب، مفهوم و معنای طرح‌هایی را که واپس‌گرایان با نام “حمایت از زن” تبلیغ می‌کنند را می‌توان بهتر و واضح‌تر شناخت. به‌دنبال به اصطلاح لایحه کاهش ساعت کاری بانوان، مصوبه “شورای عالی انقلاب فرهنگی”،

خبرگزاری “ایسنا”، ۲۳ آبان ماه، نوشت: “براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مادران شاغل دارای ۳ فرزند و بیشتر نیز می‌توانند با داشتن هر میزان سابقه کار، علاوه بر میزان سنوات خود به ازای هر فرزند با یک سال افزایش سنوات بازنشسته شوند[۱]. همچنین مادران شاغل می‌توانند با هر میزان سابقه کار با همان میزان سنوات بازنشسته شوند. طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی امکان حضور منعطف و کاهش ساعات کار موظف، ایجاد امتیازات خاص و تسهیلات لازم در طرح دورکاری و نیمه حضوری و سایر شیوه‌های مناسب اشتغال برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر ۵ سال فراهم می‌شود. . . در راستای اعمال پرداخت پاداش اولاد به صورت ماهانه و به صورت پلکانی در کلیه قوانین و مقررات استخدامی کشور از ۱۴۷۰۰۰ ریال برای فرزند اول ۷۳۵۰۰۰ ریال برای فرزند پنجم است. در این مصوبه سیاست‌های جمعیتی افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان . . . پیش‌بینی شده‌است.”

همچنین بلافاصله بار دیگر طرح بیمه زنان خانه‌دار مطرح و دولت قول اجرای آن را در آینده نزدیک داد.

شایان ذکر است که، تمامی این اقدام‌ها نه در دفاع از حقوق زنان، تقویت جایگاه و موقعیت اجتماعی آنان، بلکه در راستای پیشبرد سیاست ازدیاد جمعیت برپایه رهنمودهای ولی فقیه و نیز حذف زنان از عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی است. ارتجاع حاکم با پیش کشیدن طرح‌هایی مانند کاهش ساعت کاری بانوان، افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان، افزایش حق اولاد و بیمه زنان خانه‌دار، می‌کوشد از سویی با مانورهای حساب شده بخش‌هایی از خواسته‌های دمکراتیک و مترقی زنان کشور، به‌ویژه زنان محروم و زحمتکش، را تحت‌الشعاع قرارداده و جنبش زنان را در این زمینه خلع سلاح کند، و ازدیادگرسو، برنامه‌ها و سیاست‌های ارتجاعی و زن‌ستیز خود را زیرپوشش چنین طرح‌هایی اجرا و سپس در جامعه تثبیت کند. هدف واپس‌گرایان، در تحلیل نهایی، همان گونه که در سطرهای پیشین مورد اشاره قرار گرفت، حذف زنان از حیات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه و خانه‌نشینی کردن آنان با معیارهای قرون وسطایی است. بی‌جهت نیست که در یکی از آخرین اقدام‌های واپس‌گرایان، “مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان” اعلام کرد که، از پایان‌نامه‌های دانشگاهی که با موضوع‌های حوزه جوانان و ازدواج تهیه می‌شوند، حمایت مالی صورت می‌گیرد. “ایسنا”، ۱ آبان ماه، در این باره نوشته بود: “هیچ محدودیتی برای تعداد حمایت از طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها در این زمینه وجود ندارد. برخی عنوان‌های پیشنهادی پایان‌نامه‌های تحصیلی عبارتند از ملاک‌های ازدواج از دیدگاه اسلام، شیوه‌های همسرگزینی، ازدواج‌های دانشجویی، ترغیب جوانان به ازدواج . . . .”

همزمان با ارایه این گونه طرح‌های ارتجاعی و زینبار برای جامعه، “ایلنا”، ۲۹ مهرماه، گزارش داد: “در راستای ارتقای بیشتر فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه،

## برنامه واپس‌گرایان بر ضد حقوق و اشتغال زنان

\* برنامه‌های هدفمند و عوام‌فریبانه ارتجاع حاکم در راستای حذف جایگاه اجتماعی زنان میهن ما و جلوگیری از اشتغال آنان در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است!

بار دیگر، با نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست جمهوری و در گرماگرم بحران اقتصادی، ارتجاع حاکم تبلیغات گسترده‌ای را پیرامون حقوق و جایگاه زنان کشور سازمان داده است. در این زمینه به‌ویژه دولت ضدملی احمدی‌نژاد و باندهای هوادار آن گوی سبقت را از رقبا برده است، و سنگ دفاع از زنان و منافع آنان را به سینه می‌زند. این گونه تبلیغات به خدمت هدف‌های سیاسی گرفته می‌شود و از هرگونه مضمون و محتوای واقعی و صادقانه خالی است.

بنابراین، شناخت این ترفند و افشای آن به منظور خنثی ساختن مانورهای فریبکارانه واپس‌گرایان در لحظه کنونی از اهمیت اساسی برخوردار است.

در این زمینه، دولت زن‌ستیز احمدی‌نژاد در ابتدا به تبلیغات وسیع پیرامون لزوم توجه به منافع زنان دست زد: خبرگزاری “ایلنا”، ۹ مهرماه، در گزارشی به نقل از رئیس “مرکز امور زنان و خانواده” نهاد ریاست جمهوری، نوشت: “لایحه کاهش ساعات کاری بانوان تقدیم هیات دولت شده است و در جلسه آینده ستاد ملی زن و خانواده که در یک ماه آینده برگزار می‌شود، بررسی خواهد شد. . . با وزارت تعاون تعاملاتی انجام شده است تا زمانی که تحت پوشش وزارت کار هستند، از تسهیلات زنان شاغل برخوردار شوند. . . دستگاه‌های مختلف مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیما وظایفی را برعهده دارند که در ستاد ملی زن و خانواده به آنها ابلاغ شده است، البته پیش‌بینی شده تا در بودجه سال آینده به این اقدامات ملی در جهت تحکیم خانواده توجه بیشتری شود.”

پس از این نوبت به مشاور وزیر “تعاون، کار و رفاه اجتماعی” رسید تا به نام دولت احمدی‌نژاد موضوع “حمایت از زن و خانواده” را طرح و تبلیغ کند. خبرگزاری “فارس”، ۳۰ مهرماه، گزارش داد: “مشاور وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی با بیان اینکه نقش زنان در فرهنگ اقتصاد و بحث اشتغال خانگی بسیار موثر و کارآمد است توضیح داد فعالیت‌های اقتصادی و کار و تلاش از گذشته در زندگی زنان بوده است. اشتغال زنان در دهه‌های اخیر ضمن اینکه از اهمیت ویژه‌ای در کسب زندگی جدید برخوردار بوده اما از چالش‌های پیش‌رو هم به حساب می‌آید، فاصله فیزیکی میان خانه و نقش اجتماعی زنان به‌وجود آمد که منجر به پدیده‌ای به نام گران‌باری نقش شد و آسیب‌های زیادی را به همراه داشت. . . به دلایل مختلف کار خانگی می‌تواند مزیت‌های زیادی به‌همراه داشته باشد. در کشور ما به شکل سنتی و استاد- شاگردی مشاغل خانگی پیشینه طولانی داشته و با توجه به سهم بالای زنان به عنوان جمعیت فعال می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.”

سخنان و موضع این مقام مسئول که به نیابت از وزیر صحبت کرده است، ماهیت طرح‌ها و انگیزه‌های واقعی و پنهان آن را به خوبی آشکار می‌سازد. در نظر واپس‌گرایان حمایت از زنان فقط به شغل‌های خانگی آن هم برپایه شیوه منسوخ و قرون وسطایی استاد- شاگردی محدود و منوط می‌شود.

مشاور وزیر تعاون و کار باصراحت یادآوری می‌کند که، اشتغال زنان در عرصه‌های مختلف برای رژیم و محیط فرهنگی و اجتماعی مورد نظر ارتجاع چالش‌آفرین بوده است و بنابراین زنان باید فقط به خانه‌داری و کارهای خانگی مشغول باشند. این سخنان را باید در کنار موضع رئیس “مرکز امور زنان و خانواده” نهاد ریاست جمهوری گذاشت تا سطح و درجه درک سران و مسئولان رژیم ولایت‌فقیه از اشتغال زنان کشور روشن گردد.

خبرگزاری “ایسنا”، ۱۰ مهرماه، خبر داد: “رئیس مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری در خصوص حمایت از خانواده اظهار داشت، مصوباتی را شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تشویق فرزندآوری [تولید نسل] دارد و قرار است در این زمینه در جلسات ستاد ملی زن و خانواده بحث شود. . . تحکیم خانواده و تربیت فرزندان در فرهنگ اسلامی ما اولویت دارد و وظیفه اصلی زنان حفظ خانواده

## ادامه بحران در صنعت های کلیدی ...

نمی‌کند. صرف نظر از وابستگی صنایع خودروسازی به کشورهای سرمایه داری، واقعیت مهم این است که از برکت وجود چنین وضعیتی درآمدهایی با رقم‌های نجومی به دست آمده‌اند که مشخص نیست سود حاصل از آن‌ها به جیب چه کسانی رفته است. اما چیزی که مشخص است - بررغم این درآمدهای نجومی - ما با ادعای مشکل کمبود نقدینگی در صنایع خودروسازی مواجهیم. روزنامه "جهان صنعت"، ۷ آبان ماه، در رابطه با درآمدهای میلیاردی، نوشت: "شش وارد کننده خودرو با سوء استفاده از شرایط نابسامان ارزی، خودرو را با ارز دولتی وارد و با نگهداری آن‌ها در انبارها در بازار آزاد به فروش می‌رسانند." امور مطالعات و برنامه ریزی استراتژیک - سایکو، وابسته به شرکت طراحی مهندسی و تأمین قطعات ایران خودرو، در "یادداشت‌های راهبردی" که به "جایگاه ایران خودرو در بین صد شرکت برتر ایران در سال ۱۳۸۶" می‌پردازد، آورده است: "فروش رتبه دوم، سود رتبه سوم، دارایی رتبه یازدهم، صادرات رتبه یازدهم، و از نظر تعداد کارکنان رتبه دوم" را کسب کرده است. بر اساس همین آمار، عده کارکنان شاغل در صنعت‌های خودروسازی در شرکت‌های "سایپا"، "ایران خودرو"، و "پارس خودرو"، نزدیک به ۹۰ هزار نفرند. نکته جالب در این آمار، رقم سودهای به دست آمده از سوی این سه شرکت خودروسازی است که به ترتیب: "ایران خودرو" ۵۶۰۳ میلیارد ریال، "سایپا" ۸۱۴۹ میلیارد ریال، و "پارس خودرو" ۱۲۵۸ میلیارد ریال، سود داشته‌اند. روزنامه "ایتکار"، ۱۴ آبان ماه، در گزارش خود در ارتباط با صنعت خودرو، به آمارهای تولید خودرو اشاره دارد که تأمل‌برانگیز است. "ایتکار" می‌نویسد: "آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد افزایش تولید از سال ۸۳ تا ۸۷ صرفاً ۸۲ هزار دستگاه خودرو بوده است. ... در سال ۸۸ تولید محصولات ایران خودرو به ۶۸۰ هزار دستگاه رسید. در بهمن ماه سال ۸۹ رکورد تولید ۷۵۵۵۵۵ دستگاه خودروی سبک به ثبت رسید. ... در پایان سال ۹۰ تیراژ تولیدات ایران خودرو به بالغ بر ۷۷۷۷۷۲ دستگاه انواع خودرو رسید." مقایسه آمار سال ۸۶ و سال‌های بعد که در بالا آمده است، به خوبی نشانگر میزان تولید بسیار بالا است. با افزایش میزان تولید خودرو، طبیعتاً باید کسب سودها و درآمدهای بیشتری را هم شاهد باشیم. با توجه به اینکه ما هم اکنون حدود ۸ ماه از سال ۹۱ را سپری کرده‌ایم و اخبار مربوط به بحران در صنایع خودرو سازی از همان اوایل سال انتشار یافت، این سؤال پیش می‌آید که: این درآمدهای نجومی در صنعت‌های خودروسازی به جیب چه کسان یا ارگان‌هایی رفته است؟ با درآمدهای نجومی خودروسازان که تا همین چند ماه پیش هم ادامه داشته‌اند بعید بتوان باور کرد که به ناگهان مشکل نقدینگی به وجود آمده است. واقعیت این است که، این صنعت‌های پول‌ساز که حاصل رنج و زحمت هزاران زحمتکش میهنمان است تنها منبع درآمدی شده برای سرکوبگران حاکم و ارگان‌های زیر کنترل آن‌ها. چیزی که در این میان مشخص است - به دلیل تحریم‌های اقتصادی و مشکل‌های ارزی‌ای که گریبان رژیم ولایت فقیه را گرفته‌اند - منابع مالی حاکمان کنونی با محدودیت‌هایی مواجه گردیده است، و به نظر می‌رسد چپاولگران حاکم برای تأمین منافع حیاتی خویش، همچون روال سابق، کارگران و زحمتکشان را در صف مقدم قربانیان خود قرار داده‌اند. بنابراین، بر نیروهای مرفقی است تا نسبت به بحران در صنعت‌های کلیدی و بزرگ، که اتفاقاً می‌تواند رژیم را با چالش‌هایی جدی رودر رو کند با حساسیت بیشتری توجه کنند، و در جهت آگاهی جنبش کارگری گام‌هایی مؤثر به نفع زحمتکشان بردارند.

## ادامه برنامه واپس گرایان برای اشتغال زنان

پوشش چادر برای کارکنان شهرداری آبادان الزامی شد. این طرح، یعنی فرهنگ به اصطلاح عفاف و حجاب در شهرهای مختلف به زنان شاغل تحمیل می‌شود، ابتدا در شهرهای کوچک، تا اعتراض‌های زنان بُعدهای گسترده‌ای نیابند و سپس نوبت به شهرهای بزرگ و کلان شهرها خواهد رسید. همه این سیاست‌ها گویای برنامه‌ی مدون و حساب‌شده برای حذف زنان از جایگاه اجتماعی‌شان و تبدیل زنان شاغل به زنان خانه‌دار است. این برنامه‌ها که با بودجه‌های هنگفت نیز همراه است، درحالی به اجرا درآمده و می‌آیند که، مطابق آمارهای رسمی، میزان بیکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است. پایگاه خبری - تحلیلی "فرارو"، ۱۹ مهرماه، در گزارشی نوشت: "زنان به نسبت مردان به مراتب از دامنه بیکاری وسیع‌تری برخوردارند و به عبارتی امکان کمتری برای ورود به بازار کار دارند. عدم وجود زمینه ورود زنان به برخی مشاغل . . . درکنار بالاتر بودن شانس مردان در مقایسه با زنان برای ورود به بازار کار باعث می‌شود تا زنان ۲ برابر مردان . . . گرفتار بیکاری باشند."

به علاوه، به اعتراف تشکل‌های وابسته یا همسو با حکومت، وضعیت زنان کارگر فوق‌العاده ناگوار است. "ایلنا"، ۱۴ مهرماه، گزارش داده بود: "در واحدهای تولیدی کوچک [کمتر از ۱۰ نفر] تفاوت‌های فاحش میان دستمزد، ساعات کاری وضعیت کار زنان با آنچه که قانون مشخص کرده است وجود دارد."

زنان در اغلب واحدهای تولیدی و دیگر مراکزها، با دستمزد کمتر نسبت به کار مشابه با مردان مشغول کارند، و در تمامی اخراج‌ها در صف نخست قرار دارند. زنان سرپرست خانوار و زنان شاغل که نان‌آور خانواده‌های خودند، در طول بحران ارزی اخیر و کاهش ارزش پول ملی صدمه‌های جدی متحمل شده‌اند و سطح زندگی آنان و خانواده‌هایشان به شدت تنزل پیدا کرده است. رژیم واپس‌مانده ولایت فقیه با برنامه‌ی همه‌جانبه در صدد خانه‌نشین کردن زنان کشور است، و اینک زنان شاغل را هدف قرار داده است. آگاهی‌رسانی به زنان، به خصوص زنان کارگر و کارمند و زنان سرپرست خانوار، گام نخست برای سازمان‌دهی مبارزه‌ی متحد با برنامه واپس‌گرایان بر ضد اشتغال زنان میهن ماست. اهمیت توجه و آرایه شعار و برنامه واقعی‌بینانه ازسوی جنبش زنان در این مرحله از پیکار با استبداد و ارتجاع، انکارناپذیر است!

## ادامه تشدید اختلاف های حاکمیت

شورای شهر تهران گردید؟ آیا حضور در جلسه مذکور اجرای سناریوی مشابه برای شورای جدید نخواهد بود؟ اگر چنین قصدی وجود ندارد، با توجه به اینکه امکانات رسانه‌ی و تبلیغی آنها از هر گروه و سازمان بیشتر است، چرا این حضور خارج از ائتلاف مذکور انجام نمی‌گیرد؟

کسانی که تحول‌های سیاسی ایران را پیگیری می‌کنند آگاه هستند که با بیرون راندن اصلاح طلبان از مجلس و تسخیر جایگاه ریاست جمهوری از سوی احمدی نژاد، ماموریت اصغرزاده و همفکرانش نیز پایان یافت. دیگر نه از روزنامه "همبستگی" و نه از خود "حزب" همبستگی سخنی نیست، و مدت‌ها بود که از خود اصغرزاده هم خبری در محفل‌های سیاسی نبود. حضور دوباره اصغرزاده در کنار مهره منفور و شناخته شده‌ای همچون حسین شریعتمداری قطعاً با زد و بندهای پشت پرده همراه بوده است. در حالی که ما شاهد تشدید فشارها به زندانیان سیاسی و محدود کردن هر چه بیشتر آزادی‌ها از جانب سرکوب گران هستیم، حضور اصغر زاده بر خلاف نظر سایت "کلمه" در "رسانه ملی" نه تنها دغدغه مردم را کاهش نمی‌دهد، بلکه با توجه به موضع گیری سایت "کلمه" در این ارتباط، و نیز برخی خبرها از تلاش برای ایجاد یک ائتلاف از تمامیت‌گرایان و جناح راست اصلاح طلبان حکومتی، نگرانی‌های جدی‌ای را دامن زده است. بر تمامی نیروهای مرفقی و فعالان سیاسی است که با رصد کردن اقدام‌هایی که به منظور نجات رژیم از بحران سیاسی حاد صورت می‌گیرد، در راستای افشای ماهیت افرادی همچون اصغر زاده و ترفندهای جدید ارتجاع برای مسخ دوباره حرکت های مردمی حرکتی متحد و هماهنگ را در پیش بگیرند. در ضمن این هشدار را باید با تاکید دوباره تکرار کرد که: نباید اجازه داد اصلاح طلبان مماشات طلب بار دیگر با زد و بندهای سیاسی و در جهت خلاف منافع مردم وضعیت جنبش مردم را با مشکل‌های جدی روبه‌رو سازند. دغدغه رفسنجانی حفظ ساختار ولایت فقیه و تسویه حساب با احمدی نژاد است. وارد شدن به زمین بازی رفسنجانی دستاورد مثبتی برای جنبش مردمی به همراه نخواهد داشت.

## ادامه جنگ داخلی سوریه....

آشکار شده است. سفیرهای دولت‌های عضو دائم شورای امنیت، به همراه نماینده سازمان ملل متحد، در پیامی به رئیس جمهوری لبنان و نیروهای منطقه‌ای (بازیگران اصلی)، اعلام کردند که برای جلوگیری از کشانده شدن لبنان به درگیری‌های نظامی توافق حاصل شده است. معنای این پیام اینست که: "بحران سوریه" به این زودی به لبنان منتقل نخواهد شد، و این بررغم مشکل‌های پدید آمده و درگیری‌های پراکنده بین گروه‌های نظامی مخالف وابسته به سعودی و مخالف رژیم سوریه با ارتش سوریه (در منطقه‌های زیرنفوذ جریان سیاسی ای به رهبری "سعد الحریری") است. این اوضاع متزلزل امنیتی - اما نه در وضعیت انفجاری - در لبنان، ممکن است تا زمانی (نه چندان کوتاه) ادامه داشته باشد.

بدیهی است که تدارک نظامی دو قطب درگیر، چه به صورت مانورهای نظامی و چه به صورت تدارک نظامی بر عرشه کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌ها از هر طرف ادامه خواهد یافت. همزمان با این تدارک‌ها، دولت‌های منطقه (به طور مشخص "ایران" و "اسرائیل") نیز دائماً موفقیت برنامه‌های خود (مانع شدن ایران از دستیابی به سلاح اتمی از سوی اسرائیل، و یا واکنش طرف مقابل در دفاع از خود) سخن خواهند راند. خلاصه اینکه، "منطقه عربی" و همراه با آن "خاورمیانه" به دیگ جوشانی می‌مانند. این غلیبان و جوش در نتیجه "سیاست‌های گذشته و در جریان تجدید امپریالیسم" و به طور کلی نتیجه رقابت دولت‌های بزرگ سرمایه‌داری در "نظم جدید جهانی" و به منظور بازی کردن نقش قطب‌های دوران گذشته است که به تازگی به وجود آمده‌اند. در این میان و در مبارزه بین قطب‌های "سرمایه‌داری"، نقش طبقه کارگر به رهبری حزب‌های سیاسی آن، در سایه ابهام است. آیا طبقه کارگر و هم پیمان‌های آن خواهند توانست با پروژه جدید در پهنه جهان و منطقه (منطقه عربی) رودرو شوند؟ آیا طبقه کارگر خواهد توانست نقش پیشاهنگ در ارائه راه حل "تغییر سوسیالیستی" - در مقام تنها راه نجات بشر از "جنگ‌ها" - را بازی کند؟

[این مقاله به پیشنهاد و درخواست "حزب توده ایران" از رفیق دکتر ماری ناصیف - الدیس برای انتشار در "نامه مردم" نگاشته شد. ترجمه انگلیسی این مقاله از سوی "حزب توده ایران" برای انتشار در روزنامه "مورینگ استار" در اختیار تحریریه این نشریه قرار گرفته است.]

## بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست پاکستان

## تلاش بیهوده دولت پاکستان برای به وجود آوردن "حزب کمونیست"ی دست آموز!

پشت کرده است، و از "کنگره سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)" خود سیاست‌های انتخاباتی‌ای بورژوازی را در پیش گرفته است. رئیس خودخوانده این گروه بندی ارتجاعی ادعا کرده است که، این گروه [مرتجع] ادامه دهنده فعالیت "حزب کمونیست پاکستان" است. اما واقعیت این است که، این آقا[سخنگوی این "دارودسته"] در ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) به دلیل حمایت آشکارش از "قوانین شرعی" دولت بنیادگرای اسلامی در ایالت "خیبر پختونخوا"، از "حزب" اخراج شده بود. سازمان ساختگی او هیچ پیشینه مستند سیاسی ندارد، و در هیچ کجای کشور، دارای کمیته‌های ایالتی یا محلی نیست.

"کمیسون انتخابات پاکستان" به "دلیل" مارکسیست لنینیست بودن - یعنی پایه نظری اعلام شده حزب ما - از پذیرش و ثبت نام حزب ما خودداری کرده است. در "قانون اساسی" کشور پاکستان، که کشوری اسلامی است، حاکمیت نه به مردم، بلکه به خدا تعلق دارد. به ما فشار آوردند که اگر می‌خواهیم از سوی "کمیسون انتخابات پاکستان" ثبت نام شویم و در روند سیاسی کشور شرکت کنیم، باید پایه ایدئولوژیکی مارکسیست لنینیستی را از اساسنامه مان حذف کنیم. حزب ما این پیشنهاد سخیف را رد کرد. "حزب کمونیست پاکستان"، این برخورد لجوجانه و غیردموکراتیک دستگاه دولتی را به شدت محکوم می‌کند.

جالب اینجاست که، این به اصطلاح "حزب کمونیست پاکستان" که هیچ بنیاد ایدئولوژیکی ندارد، آشکارا ماتریالیسم دیالکتیک را طرد و رد می‌کند، و به دلیل‌هایی روشن، باورهای بنیادی اسلامی را ترویج می‌کند، اکنون امکان و اجازه ثبت نام در انتخابات را به دست آورده است. این گروه، پس از آنکه در انتخابات ثبت نام کرد، به تبلیغات دروغین خود در مسیر بدنام کردن ما، یعنی "حزب کمونیست پاکستان"، شدت بخشید، و ما را به تدارک جنگ چریکی متهم کرد، که دروغی آشکار است. حزب ما بارها در اسناد کنگره‌اش، به دقت و صراحت، اعلام کرده است که در راه رسیدن به هدف انقلاب از همه امکان‌های موجود استفاده خواهد کرد. برای ما، شرکت در روند انتخاباتی بورژوازی هم همیشه یکی از تاکتیک‌های مورد استفاده بوده است. برای حزب ما کاملاً روشن است و ما در این باره هیچ تردید و توهمی نداریم که این مسیر به انقلاب منتهی نخواهد شد، اما در سازمان‌دهی جنبش مردمی بسیار مؤثر و مفید است. موردهایی در گذشته وجود داشته است که در جریان جنبش‌های دهقانی، برخوردهای فراوانی با نیروهای انتظامی و دفاعی دولتی صورت گرفته است. اما شعار ما هرگز این نبوده است که انقلاب را فقط می‌توان از طریق لوله تفنگ صورت داد.

"حزب کمونیست پاکستان" به معرفی نامزدهای مستقل و فعالیت آنان برای رقابت در انتخابات آتی ادامه خواهد داد.

## هیئت سیاسی حزب کمونیست پاکستان

۵ نوامبر ۲۰۱۲ (۱۵ آبان ۱۳۹۱)

## "حزب کمونیست پاکستان"، اقدام

عنصرهای مرتجع حمایت شده از سوی "دولت" به منظور گمراه کردن مردم، و به ویژه کمونیست‌ها و کارگران جهان، را به شدت محکوم می‌کند!

حزب کمونیست پاکستان از زمان آغاز فعالیتش در ماه مارس ۱۹۴۸ (اسفند ۱۳۲۶)، همواره در راه سازمان دهی طبقه کارگر پاکستان و انقلاب پرولتاریایی تلاش کرده است. برای رسیدن به این هدف، حزب کمونیست پاکستان با جدیت در سازمان دهی بخش‌های گوناگون جامعه کوشیده است، که از آن جمله اند: برپایی سندیکاها، کارگری، سازمان‌های دهقانی، کانون‌های روشنفکری، فدراسیون‌های دانشجویی، ائتلاف‌های اقلیت‌ها، شوراهای صلح و فعالان سیاسی. هدف راهبردی ما عبارت بوده است از: گردآوردن نیرویی با انگیزه مناسب در زیر یک چتر، به منظور به وجود آوردن و به حرکت واداشتن جنبشی مردمی.

رژیم طرفدار امپریالیسم پاکستان، در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳)، "حزب کمونیست پاکستان" را غیرقانونی اعلام کرد. پیش از آن، حزب ما در همه انتخابات‌ها، در همه سطح‌ها، شرکت فعال داشت. پس از اعلام ممنوع بودن فعالیت حزب در ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) و بازداشت شمار زیادی از اعضای حزب، از جمله برخی از رهبران آن، حزب سیاست ائتلاف را در پیش گرفت. بر پایه این سیاست که سال‌ها ادامه داشت، اعضای حزب یا در مقام نامزدهای مستقل، و یا در ائتلاف‌های انتخاباتی، فعالانه در انتخابات‌ها شرکت کردند. در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۸ (۱۳۳۳ تا ۱۳۶۷)، حزب ما زیر فشار دستگاه سرکوب‌گری دولت پاکستان، سخت‌ترین دوره فعالیتش را از سر گذراند. دبیرکل حزب و بسیاری از اعضای حزب بارها به مهاجرت از کشور مجبور شدند. شماری از اعضای حزب در شکنجه‌گاه‌ها یا جان خود را از دست دادند یا دچار معلولیت‌های جسمی و روانی شدند.

در پایان دوره دیکتاتوری و حکومت نظامی "ضیاءالحق"، در ۱۹۸۸ (۱۳۶۷)، حزب ما دوره فعالیت سیاسی‌ای نیمه‌علنی را به طور آزمایشی آغاز کرد، و در ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) تصمیم گرفت فعالیت خود را به صورت علنی زیر نام "حزب کمونیست"، ادامه دهد. از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)، نامزدهای حزب ما در مقام نامزدهای مستقل در انتخابات‌های گوناگون شرکت کردند. در چهار ایالت پاکستان، در انتخابات بسیاری از نهادهای محلی، مانند شوراهای شهر، اعضای حزب که همچون نامزدهای مستقل شرکت کرده بودند، با پشتیبانی و حمایت "حزب" توانستند حتی به مقام‌هایی چون ریاست یا نایب رئیسی شوراها نیز برگزیده شوند.

اخیراً با خیر شدیم که "حزب"ی به اصطلاح "کمونیست" در کمیسون انتخابات پاکستان ثبت نام کرده است. سخنگوی این "دارودسته"، "حزب" ما را متهم کرده است که به گذشته خود





فارس) سلطه کامل خود را اعمال کنند. "امپریالیسم" در این راه از حکومت‌های مرتجع عربی کمک می‌گیرد؛ کمک‌هایی که برخی از حاکمان جدید- که به لطف یاری‌های مالی- نظامی امپریالیست‌ها در جلوگیری از قوام گرفتن

هدف‌های جنبش‌های مردمی در کشورشان به حکومت دست‌یافته‌اند- به پاس این دست‌یابی به حکومت، به امپریالیست‌ها می‌کنند. در مقابل، "روسیه" نیز در برپایی پیمان جدیدی با مشارکت "ایران" و "سوریه" تلاش می‌ورزد. این پیمان سعی در باز آفرینی بخشی از نقش ایفا شده در دوران "اتحاد شوروی" در منطقه دارد، بی آنکه مانند گذشته، به خلق‌ها برای دست‌یافتن به "آزادی و توسعه" کمکی کند. بر عکس، این پیمان فقط به منظور بالا بردن سهم روس‌ها در تقسیم مجدد منابع در جهان و تثبیت رهبری قطب دوم برپا شده است، همان طوری که دلیل تشکیل این پیمان، به طور صریح "رودر رویی با سلطه یک جانبه واشنگتن بر جهان" اعلام گردیده است. دلیل‌هایی که در بالا ارائه شد را می‌توان نمونه‌های عینی آشکاری برای بین‌المللی کردن "بحران سوریه" به شمار آورد. افزون بر این، دلیل‌های بالا به‌صورتی آشکار از ادامه طرح‌های نظام سرمایه‌داری برای سلطه بر منطقه، پرده برمی‌دارد. وجود این زمینه‌ها و دلیل‌ها، همزمان، بر ادامه پروژه "خاورمیانه جدید" برپایه اختلاف‌های مذهبی سنی- شیعی (با اضافه کردن علوی‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی به آن‌ها) تأکید دارد، یعنی پروژه‌یی که "زیبگیو برژینسکی"، نظریه‌پرداز نظام "سرمایه داری" در کتابش به نام "صفحه بزرگ شطرنج" بیان داشته است و "احمد داود اوغلو"، وزیر خارجه ترکیه، نیز در ترسیم سیاست خارجی فعلی ترکیه به آن استناد کرده است. بر اساس این دیدگاه، حرکت "آخوان المسلمین" در برخورد با "ارتش" در برخی از کشورهای مسلمان (از پاکستان گرفته تا تونس) و همچنین پشتیبانی گروهی از کشورهایی که به "عرب‌های آمریکایی" معروفند (به طور مشخص "سعودی"‌ها و "قطری"‌ها) از این نیروی سیاسی را می‌توان ارزیابی کرد. ما نیز از این دیدگاه، آنچه را که برای راه اندازی جنگ‌هایی در منطقه پی‌ریزی شده است، پیگیری می‌کنیم: جنگ‌هایی که قرار است به وسیله ترکیه و اسرائیل شروع شوند. به نظر می‌آید که این جنگ‌ها در بهار سال آینده و پس از آنکه دولت جدید آمریکا پس از انتخابات اوضاع خود را سامان ببخشد، شروع خواهند شد.

### وضعیت "لبنان" در "طرح جدید"

#### نقش لبنان در طرح جدید چه خواهد بود؟

چنین به نظر می‌رسد که، در حال حاضر لبنان در این طرح جدید نقش محوری ندارد. این وضعیت پس از توافق اخیر اعضای دائم شورای امنیت (به دنبال ترور ژنرال "وسام حسن"، مسئول امنیتی لبنان) کاملاً

## جنگ داخلی در "سوریه" و "نظم جدید جهانی": طرح‌های پیش‌بینی شده برای منطقه عربی - به‌ویژه لبنان - کدامند؟

نویسنده: دکتر ماری ناصیف- الدبیس

[مسئول روابط خارجی و معاون دبیرکل "حزب کمونیست لبنان"]

"حزب کمونیست لبنان"، در گزارش سیاسی "کمیته مرکزی"، دسامبر ۲۰۱۱ (آذر- دی ۱۳۹۰)، نظر "حزب" در باره بحران سوریه را ارائه داد. دیدگاه حزب در مورد بحران در سوریه چنین بود: "بحران در سوریه به مرحله "تنگنا" وارد شده است. جنگ در سنگرها جای تظاهرات مسالمت آمیز مردم را گرفته است. در همه جا، گسیل و پخش سلاح خواست‌های فریادشده مردم برای تغییر(تغییرهای اجتماعی- سیاسی) را در خود محو کرده است. یک سال پس از "هشدار حزب کمونیست لبنان"، امروز در مورد آنچه که در سوریه می‌گذرد می‌توان به‌روشنی چنین گفت: "جنگ داخلی با بُعدهای بین‌المللی اش همراه با دامن زدن به اختلاف‌های فرقه‌ای ادامه یافته است. همزمان راه حل‌های امنیتی- نظامی رژیم حاکم بر سوریه، و پشتیبانی مالی- نظامی خارجی‌ان از گروه‌های مسلح درگیر با خود و با نظام در این جنگ، زمینه روی‌دادن همه گونه فاجعه و به‌کارگیری انواع قساوت‌ها برضد مردم را فراهم کرده است." دلیل‌های این مدعا را می‌توان چنین بیان داشت: نخست اینکه، گفت‌وگوهایی که به منظور پایان دادن به "درگیری‌های خونین" در سوریه صورت می‌گیرد بین کسانی است که اهل سوریه نیستند. حضور "سوریان"، چه از جانب نظام حاکم و چه از سوی خارج آن در این گفت‌وگوها، یعنی گفت‌وگوهایی که قرار است سرنوشت مردم سوریه و کشورشان را تعیین کند، به "ندرت" مشاهده می‌شود؛

دوم اینکه، "بین‌المللی" کردن بحران سوریه نشان از طولانی شدن مدت بحران در این کشور دارد. طولانی شدن زمان بحران به معنای کشتار، نابودی، و آوارگی مردم، و پناه بردن شان به کشورهای عربی و دیگر کشورهای مجاور خواهد بود. در این مورد کافی ست به امار آوارگانی که به لبنان وارد شده اند اشاره کنیم. عده این آوارگان به دویست و پنجاه هزار نفر رسیده است. نهادهای "سازمان ملل متحد" نیمی از این آمار را تأیید و بدان اعتراف کرده‌اند؛ سوم اینکه، تقسیم مردم به گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی ما را به یاد "جنگ‌های دو ساله" (از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶) در لبنان می‌اندازد، یعنی جنگ‌هایی که به تجاوز نظامی اسرائیل و تجزیه لبنان انجامید(پدید آمدن آنچه که به نام نوار مرزی معروف گردید یکی از پیامدهای آن جنگ بود). در این رابطه، به "آزمندی" اسرائیل برای باقی ماندن در "جولان" از یک سو، و "تمایل شدید" ترکیه به "سلطه بر کردها" در حال حاضر و "ارزو"های دیرینه این کشور برای "بازگشت به شرق مسلمان از گذرگاه دمشق" از سوی دیگر، باید اشاره کرد. این وضعیت، قطب‌بندی جدید جهانی، یعنی آمریکا و هم‌پیمان‌هایش از یک طرف، و روسیه و هم‌پیمان‌هایش از طرف دیگر، را رویاروی همدیگر قرار داده است.

### پیمان جدید "روسی" در رویارویی با جایگاه امپریالیستی

امپریالیسم "آمریکا" و همراه با آن "اتحادیه اروپا" و بازوی نظامی شان، یعنی "پیمان ناتو"، به منظور حل بحران "علاج ناپذیر" اقتصادی شان، به سازمان‌دهی دیگر بار سلطه خود بر منبع‌های انرژی (در درجه اول) و شیوه انتقال آن (در درجه دوم) در تلاشند. آن‌ها سعی دارند تا بر منطقه عربی (از اقیانوس اطلس تا خلیج

ادامه در صفحه ۱۱

### کمک مالی رسیده

۱۰۰ یورو

کاوه از کهنلد

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 908**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

20 November 2012

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.v.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXX